

Gilan nobles petitions to the National Assembly in the early years of Reza Shah Pahlavi reign (1927-1930)

Abbas Panahi¹ | Nadia Rah²

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: This paper reports petitions silkworm farmers of Gilan sent to the National Assembly (The Parliament) between the years 1927- 1930 addressing difficulties they faced and asking for help.

Method and Research Design: Data for this study was obtained from archival documents held at the Islamic Consultative Assembly and other archival centers.

Findings and conclusion: Political developments following the 1906 Constitutional Revolution and the policy of modernization increased the number of demands people forwarded to the central government. Silkworm farmers' petitions sent from the province of Gilan to the Parliament complaining about the cruelty and injustice committed by landlords and tribal chiefs, accusing them of delivering rotten silkworm eggs to farmers and increasing tax tariffs. The petitions inform the parliament members of harsh economic difficulties that had pushed the farmers to the verge of extreme poverty. Farmers asked for establishing an agriculture school to educate future generations.

Keywords: Silkworm Farming, Gilan, Iran, Parliament.

Citation: Panahi, Abbas, Rah, Nadia. (2021). Gilan nobles petitions to the National Assembly in the early years of Reza Shah Pahlavi reign (1927-1930). *Ganjine-ye Asnad*, 31(1), 164-198
doi: 10.22034/GANJ.2021.2631

1. Associate Professor of History,
Institute of Guilan Studies, University of
Guilan, Rasht, I. R. Iran, (Corresponding
Author)

apanahi@guilan.ac.ir

2. MA of Iranology, University of
Guilan, Rasht, I. R. Iran
nadeyarah@yahoo.com

Copyright © 2021, NLAJ (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«121»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.22034/GANJ.2021.2631

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 1, Spring 2021 | pp: 164 - 198 (35) | Received: 28, Feb. 2019 | Accepted: 29, Dec. 2019

Archival research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشئویی

مقاله پژوهشی

عریضه‌های نوغان‌داران گیلان به مجلس شورای ملی در سال‌های نخست حکومت رضاشاه پهلوی (۱۳۰۶-۱۳۰۹ خ)

عباس پناهی^۱ | نادیا ره^۲

چکیده:

هدف: این مقاله دلایل نارضایتی نوغان‌داران از دشواری تولید و تجارت ابریشم را گزارش می‌کند. **روش/رویکرد پژوهش:** داده‌ها از عریضه‌ها و اسناد آرشئویی سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ش از مجلس شورای ملی و دیگر مراکز اسنادی گردآوری شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تغییرات سیاسی ایران پس از مشروطه و نوگرایی پس از آن سبب شد تا درخواست‌های مردم از دولت مرکزی افزایش یابد. اسناد و شکوائیه‌های نوغان‌داران نشان می‌دهد که توزیع تخم نوغان فاسد، بی‌عدالتی ملاکان و خوانین محلی گیلان، و افزایش تعرفه مالیات نوغان موجب شد نوغان‌داران پیوسته در فشار اقتصادی باشند. آن‌ها مدرن‌شدن صنعت ابریشم و برداشته‌شدن فشارهای اقتصادی و اجتماعی برای برون‌رفت از دشواری‌ها خواستار بودند.

کلیدواژه‌ها: ابریشم؛ اسناد نوغان‌داران؛ پهلوی؛ گیلان؛ قاجار.

استناد: پناهی، عباس، ره، نادیا. (۱۴۰۰). عریضه‌های نوغان‌داران گیلان به مجلس شورای ملی در سال‌های نخست حکومت رضاشاه پهلوی (۱۳۰۶-۱۳۰۹). گنجینه اسناد، ۳۰(۱): ۱۶۴-۱۹۸.

doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱.۲۶۳۱

۱. دانشیار تاریخ پژوهشکده گیلان‌شناسی
دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
(نویسنده مسئول)
apanahi@guilan.ac.ir
۲. کارشناس ارشد ایران‌شناسی دانشگاه گیلان،
رشت، ایران
nadeyarah@yahoo.com



گنجینه اسناد

«۱۲۱»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۱.۲۶۳۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۱، بهار ۱۴۰۰ | صص: ۱۹۸ - ۱۶۴ (۳۵)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۹ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۸

مطالعات آرشئویی

۱. مقدمه

آب‌وهوای گیلان برای تولید ابریشم بسیار مناسب است. در نتیجه از دوره‌های بسیار دور نام سرزمین گیلان همواره با ابریشم پیوند یافته‌است. ظرفیت صنعت ابریشم در گیلان از جمله ایجاد توتستان، پرورش نوغان، ابریشم‌کشی، رنگرزی و بافندگی موجب شد تا معیشت مردم گیلان به این کالا وابسته شود. با وجود این، عصر قاجار را به دلیل بی‌تدبیری و نبود نظارت حکومت مرکزی بر رفتار حاکمان و درک‌نکردن اهمیت ابریشم در تولید ملی می‌توان آغاز سقوط اقتصاد معیشتی مبتنی بر ابریشم در گیلان دانست. با آغاز حکومت پهلوی دولت برنامه‌های متعددی را برای احیای صنعت ابریشم انجام داد. مردم از حکومت پهلوی برای بهبود اوضاع اقتصادی گیلان به‌ویژه در عرصه ابریشم مطالباتی داشتند و انتظار می‌رفت با تغییرات سیاسی در ایران، تحولاتی در عرصه‌های اقتصادی گیلان نیز پدید آید. بنابراین شکوائیه‌های بسیاری در این برهه زمانی از اصناف و اقشار مردم با موضوع ابریشم به مجلس شورای ملی و سایر دوائر دولتی ارسال شد. محتوای این اسناد و عریضه‌ها شکایت از وضعیت غم‌انگیز تولید و تجارت ابریشم گیلان بوده‌است. مردم از دولت و مراکز دولتی استدعا داشتند که ساختار اداری و اقتصادی مرتبط با صنعت ابریشم را اصلاح کند.

پرسش پژوهش

باتوجه به موضوع پژوهش این پرسش مطرح می‌شود که نوغان‌داران گیلانی در شکوائیه‌ها و عریضه‌های خود در اوایل عصر پهلوی چه درخواست‌هایی از دوائر و مراکز دولتی داشته‌اند؟

باتوجه به محتوای عریضه‌ها و شکوائیه‌های مردم این‌گونه می‌توان استنباط کرد که مردم مداخله مستقیم دولت مرکزی در اصلاح نظام مالیاتی، کاهش فشار خوانین، و توسعه زیرساخت‌های لازم برای تولید، پرورش و تجارت ابریشم را می‌خواستند.

پژوهش پیش‌رو با روش اسنادی و هم‌چنین داده‌های کتاب‌خانه‌ای مبتنی بر تاریخ در سال‌های آغازین سلطنت پهلوی سعی دارد وضعیت معیشتی مردم گیلان را با تکیه بر اقتصاد ابریشم در این برهه بررسی کند. به‌نظر می‌رسد تجزیه و تحلیل اسناد مربوط به عریضه‌های نوغان‌داران از دوره زمانی مورد تحقیق می‌تواند تاریخ تحولات اجتماعی مردم را از یک‌سو و وضعیت ابریشم گیلان را از سوی دیگر روشن سازد.



پیشینه پژوهش

درباره تولید و تجارت ابریشم در ایران و گیلان به‌ویژه در عصر صفوی و قاجار، پژوهش‌هایی انجام شده‌است. یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های تخصصی در این زمینه پژوهش مشترک لافون و رابینو در عصر قاجار درباره صنعت ابریشم در ایران و گیلان است. در زمینه اقتصاد ابریشم گیلان در عصر صفوی جهان‌بخش ثواقب مقاله «ابریشم گیلان» را در پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳۴ چاپ کرده‌است. عباس پناهی و حسن کهن‌سال نیز مقاله‌ای درباره «اهمیت ابریشم گیلان در تجارت دریایی کاسپین در عصر صفوی» در نشریه (CJES, 2012, Vol. 10, Issue. 1) چاپ کرده‌اند. در زمینه ابریشم گیلان در عصر قاجار نیز سید رحمان حسنی مقاله «ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۳۲۷-۱۳۴۳ ق / ۱۸۲۸-۱۹۰۹م)» را در فصلنامه گنجینه اسناد، س ۱۷، ش ۳ چاپ کرده‌است.

درباره اقتصاد ابریشم گیلان در سال‌های نخست عصر پهلوی تاکنون پژوهشی انجام نشده‌است؛ البته مقاله‌هایی در نشریات محلی به این موضوع پرداخته‌اند. بنابراین پژوهش پیش‌رو تلاش دارد تا با بررسی و تحلیل شکوائیه‌های مردم گیلان به مجلس دغدغه آن‌ها را هم‌زمان با سیاست‌های حکومت مبنی بر احیای اقتصاد ابریشم تحلیل و بررسی کند.

۲. اهمیت ابریشم ایران و گیلان

چگونگی پیدایش، پرورش و تجارت ابریشم در ایران - گیلان - به‌لحاظ منابع تاریخی در حاله‌ای از ابهام است. برخی از مورخان معتقدند که ابریشم برای نخستین بار از چین به ایران وارد شده‌است. کرزن در این زمینه می‌نویسد: «داستان دل‌انگیز آوردن کرم ابریشم از چین به اروپا در دوره امپراتوری ژوستینین در حدود ۵۵۰ میلادی از حکایات شنیدنی تاریخ است» (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۸۱). ثعالبی می‌نویسد: «جمشید مردم را به رشتن ابریشم و کژ و کتان و پنبه فرمان داد تا از آن‌ها پارچه‌ها دوزند و جامه پوشند» (ثعالبی مرغنی، ۱۳۷۲، ص ۴۴). در تاریخ معجم آمده‌است: «تهمورث از کرم قر، ابریشم استخراج کرد و به الهام الهی بدانست که خوردن ایشان توت است» (قزوینی، ۱۲۸۶، ص ۹۲). مقدسی درباره ابریشم حاشیه جنوبی کاسپین می‌نویسد: «اینجا سرزمین پيله و ابریشم است؛ کارگزارانش مهارت دارند و پارچه‌هایش در مصر و عراق نام‌بردار است. گرگان روسری‌هایی ابریشمی دارد که تا یمن برده می‌شود» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۵۱۷). در نروزنامه منسوب به خیام که در ۴۹۵ق نگارش شده‌است، پرورش کرم ابریشم به هوشنگ نسبت داده شده‌است: هوشنگ آهنگری و درودگری و بافندگی پیشه آورد و انگبین^۱ از زنبور و

۱. انگبین: عسل، هر چیز شیرین (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل انگبین).



ابریشم از پيله بیرون آورد و از پس او طهمورث بنشست و بازارها و کوچه بنهاد و ابریشم و پشم بیافت (خیام، تصحیح مینوی، ۱۳۱۲، ص ۷). *حدودالعالم* به‌عنوان یکی از کهن‌ترین منابع جغرافیایی ایران (تألیف ۳۷۲ق) درباره اهمیت اقتصادی دیلمان می‌نویسد: «و از این ناحیت [دیلمان] جامه‌های ابریشم خیزد یکرنگ و چندرنگ، چون مُبرم^۱ و حریر و آنچه بدان ماند» (*حدودالعالم*...، ۱۳۶۲، ص ۱۴۳). لافون و رابینو معتقدند که فرآوری ابریشم از جمله کلاف‌کردن و کاربری آن پیش از قرن ششم میلادی در کشوری به‌نام سریند یا سربیک معمول بوده‌است (لافون و رابینو، ۱۳۷۲، ص ۷۶). پطروشفسکی معتقد است که سریندا در منابع بیزنطیه همان آسیای میانه است (پطروشفسکی، ۱۳۵۵، ج ۱، ص ۳۰۷).

در دوره اشکانیان توسعه راه‌های جاده شاهنشاهی که از هخامنشیان برجای مانده بود، «راه ارتباطی چندهزارساله و بزرگ و اساسی ابریشم را پدید آورد که از آن پس سرگذشت این جاده در واقع نوعی تاریخ تمدن جهانی شد» (ثواقب، ۱۳۸۱، ص ۳۰). جاده ابریشم از چین آغاز می‌شد و از ترکستان چین «سین کیانگ» و کاشغر و اترار می‌گذشت و به جیحون می‌پیوست و سپس از شهرهای بزرگ سمرقند و بخارا و مرو و طوس و دامغان و گرگان و ری به قزوین می‌رسید و از آنجا در چند مسیر منشعب می‌شد (panahi, 2017, p34)؛ مسیری به آذربایجان و آران، و طرابوزان و مسیری به سمت همدان و لرستان و سپس بغداد و موصل تا انطاکیه و سارد منتهی می‌شد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۴، صص ۲۱۴ و ۲۱۵). راه اصلی تجاری میان خاور و باختر یعنی چین و اروپا و سواحل خاوری دریای مدیترانه جاده ابریشم بود که از ایران می‌گذشت: «یکی از این راه‌ها که از جمله راه‌های مهم جاده ابریشم به‌شمار می‌رفته راهی است که از روستای هرزویل در مجاورت منجیل می‌گذشته‌است. علاوه‌بر، این راه اصلی که منشأ بسیاری از نقل و انتقالات کالایی و تجاری و فرهنگی و حتی قومی میان ایران و چین بوده، سواحل دریای کاسپین ارتباطی ویژه با آسیا و چین داشته‌است؛ به‌همین دلیل برخی معتقدند که پرورش کرم ابریشم از طریق چین به مازندران و سپس به گیلان رسیده‌است» (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۳).

تا پیش از اسلام، چین قدرت بی‌منازع تجارت ابریشم در بازارهای جهانی محسوب می‌شد و ایران فقط نقش ترانزیت تجاری خاور به باختر را برعهده داشت. در ابتدا بیشتر ابریشم چین مورد توجه اروپائیان بود؛ اما از قرن هفتم به بعد ابریشم تولیدی در ایران و از جمله گیلان بیشتر شهرت یافت و مورد توجه تجار ونیزی و جنوایی قرار گرفت. ونیزی‌ها جزء اولین تجار اروپایی بودند که برای تهیه ابریشم به صفحات شمالی ایران -گیلان- توجه نشان دادند (mattee, 1999, p147). رونق تجارت ابریشم سبب شد که «بازرگانان ونیزی» به تجارت مستقیم ابریشم با گیلان مایل شوند (باربارو و دیگران،

۱. مُبرم [م] [ع] (ا): جامه‌ای که دوتاه بافته باشند؛ نوعی جامه از قماش (دهخدا، ذیل مبرم). و از این ناحیت [دیلمان] جامه‌های ابریشم خیزد یک‌رنگ و بازنگ چون مبرم و حریر و آنچه بدان ماند (*حدودالعالم*، چاپ دانشگاه، ص ۱۴۳).



۱۳۴۵، ص ۲۴۶). به گزارش بازرگانان ونیزی آن‌ها برای تجارت پرسود ابریشم نخست در تبریز و سپس در رشت نمایندگی‌هایی تأسیس کردند. این اقدام نشان‌دهنده آشنایی تجار اروپایی با ابریشم ایران بوده‌است. دو گروه نوغان‌داران و بازرگانان گیلانی سهم زیادی در توسعه تجاری و ترانزیتی این محصول داشتند. اهمیت اقتصاد ابریشم موجب می‌شد تا امرای محلی بر دادوستد این محصول نظارت جدی داشته باشند (پناهی، ۱۳۹۳، ص ۷۸). اصطخری که از رشت به ساری، مرکز ولایت مازندران مسافرت می‌کرده‌است از تولید فراوان ابریشم در طبرستان، ناحیه کوهستانی میان گیلان و استرآباد، سخن گفته‌است. او معتقد است صنعت نوغان در ایران از قرن سیزدهم به بعد مورد توجه ویژه حاکمان قرار گرفت (اصطخری، ۱۳۶۸، ص ۵۱).

در میان دولت‌های اروپایی انگلیسی‌ها در برقراری ارتباط با ایران از مسیر دریای کاسپین از دیگر سوداگران اروپایی یک گام جلوتر بودند. ریچارد چانسلر راه دریای سفید را در پیش گرفت، ولی سرانجام از آرخانگلسک سر درآورد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳۴). در پی این رویداد تصادفی، چانسلر وارد روسیه شد و تزار روس ایوان چهارم (۱۵۳۳-۱۵۸۴)، معروف به «ایوان مخوف»^۱، در مسکو از او استقبال کرد (مهدوی، ۱۳۶۴، ص ۳۹). او سپس امتیازاتی در زمینه بازرگانی از تزار دریافت کرد و به این ترتیب یک شرکت تجاری مشترک انگلیسی-روسی، به نام «کمپانی مسکوی»^۲ را بنا کرد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۳۹). پس از مرگ چانسلر و ناکامی‌های سیاسی و اقتصادی برخی از نمایندگان کمپانی، سرانجام در سال ۱۵۵۷م آنتونی جنکینسون به ریاست شرکت مسکوی در روسیه منصوب شد. مأموریت او بررسی و تحقیق درباره راه‌های تجارت با چین از طریق ولگا، دریای مازندران و خیوه و بخارا بوده‌است (نوائی، ۱۳۹۷، صص ۱۱۸-۱۲۱). ورود جنکینسون از دریای کاسپین به ایران، اهمیت خط تجاری کاسپین را نشان می‌دهد. این مسیر یکی از مهم‌ترین راه‌های ارتباطی و تجاری اروپاییان با ایران محسوب می‌شد (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۸۲). بعدها حاکمان صفوی این فرصت تاریخی را مغتنم شمردند؛ تاجایی که «شاه‌عباس تولید ابریشم را افزایش داد و گرجیان، مسیحیان و یهودیانی که به دستور شاه‌عباس در رشت تبعید بودند، موظف شدند کرم ابریشم پرورش دهند» (اولتاریوس، ۱۳۶۳، ص ۳۹؛ لافون و رابینو، ۱۳۷۲، ص ۲۴).

ابریشم در عصر صفوی به عنوان کالایی لوکس، نماد اشرافیت محسوب می‌شد؛ به همین سبب مورد توجه تجار و حکام قرار گرفت و حتی به عنوان هدیه‌ای فاخر و ارزشمندتر از طلا و جواهر به صاحب‌منصبان داده می‌شد (مرعشی، ۱۳۴۹، ص ۷۸). افزایش تقاضا برای ابریشم در بازار جهانی، موجب احیای جاده تاریخی ابریشم^۳ شد و

1. Ivan le Terrible
2. Moscovy co
3. silk road

ارتباط شرق و غرب توسعه و رونق یافت (آذری، ۱۳۶۷، ص ۱۹). چنین اقداماتی موجب گسترش تجارت ابریشم شد. شاه‌عباس برای افزایش صادرات ابریشم، دستوری درباره تهیه لباس‌های ابریشمی صادر کرد تا از این طریق بر صادرات ابریشم گیلان اهتمام ورزد (فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۵، ص ۵) و ابریشم به صورت خام صادر نشود. اولناریوس که در سال‌های نخست سلطنت شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) با هدف تجارت ابریشم به ایران مسافرت کرد می‌نویسد: تولید ابریشم گیلان در ۱۶۳۷ میلادی ۸۰۰۰ عدل^۱ (حدود ۴۰٪) تولید ابریشم کشور بوده است (اولناریوس، ۱۳۶۳، ص ۱۴۳). این میزان در دوره شاه‌سلیمان (۱۰۴۵-۱۰۷۳ق) به دلیل استقبال اروپاییان از ابریشم ایران افزایش یافت. جمال‌زاده به نقل از شاردن سیاح فرانسوی می‌نویسد: میزان ابریشم ایران ۶۳۳'۰۰۰ من (۱'۹۰۰'۰۰۰ کیلو) بود که ۴۲۳'۰۰۰ من (۱'۲۶۹'۰۰۰ کیلو) از آن یا به عبارتی ۶۷٪ آن تنها در گیلان تولید می‌شد (جمال‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۴۳).

برخی بر این باورند که شاه‌عباس اول به دلیل انتصاب مباشران خود در اداره گیلان سیاست موفقیت‌آمیزی در زمینه ابریشم نداشته است (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۰). او با به دست گرفتن انحصار تجارت ابریشم باعث کاهش تولید ابریشم در مقایسه با سال‌های بعد دوره صفوی شد و بر اقتصاد گیلان لطمه وارد کرد (شورمیچ، ۱۳۸۹، ص ۷۸). در حقیقت او با سیاست تمرکزگرایی در تجارت در ایران موجب حذف رقابت در زمینه تجارت ابریشم در گیلان شد.

در دوره قاجار با وجود رکود بسیار در اقتصاد ایران، صنعت ابریشم به دلیل تقاضای بسیار در بازار جهانی هم‌چنان مورد استقبال بود و سیاست‌های نوگرایانه در این دوره سبب توسعه صنعت و تجارت در ایران شد؛ به طوری که «صادرات ایران در ۱۲۶۷ هـ ق بیش از یک میلیون لیره انگلیسی^۲ بود. عمده کالای صادراتی ایران ابریشم بود که به روسیه صادر می‌شد و قسمت اعظم واردات ایران از محل فروش آن تأمین می‌شد» (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۴۰۷).

عصر پهلوی آغاز مدرنیزاسیون شتابان در ایران بود. مجموعه تدابیر و اقداماتی که در راستای توسعه و نوگرایی در عصر پهلوی رخ داد، سبب شد تا تولید صنعتی جایگزین شیوه‌های سنتی شود. تولید ابریشم در شیوه سنتی ساختاری معیشتی داشت؛ زیرا به دلیل تعدد زیرمجموعه‌های تولید در این صنعت از جمله نگهداری توتستان‌ها، پرورش ابریشم، استخراج پيله، نخ‌کشی، رنگ‌رزی و انواع دست‌بافت به نیروی انسانی بسیاری نیاز داشت و اقشار زیادی از مردم در کارگاه‌های سنتی مشغول به کار بودند. اقتصاددانان، با استفاده از تحقیقات مردم‌شناسی، اقتصادهای سنتی را «اقتصاد تأمین بقا» نامیده‌اند (فرخ‌نیا، ۱۳۸۹،

۱. ابریشم به شکل کلاف تولید می‌شد. به مجموعه چند کلاف معادل ۴ کیلوگرم یک بقچه گفته می‌شد و به مجموعه چند بقچه که داخل یک سبد حصیری (طرف مخصوص حمل ابریشم) قرار می‌گرفت یک عدل گفته می‌شد.

۲. هر لیره معادل دو تومان



ص ۸۴). مهم‌ترین اقدام رضاشاه قانونمند کردن ارکان صنعتی بود و در پی آن ابریشم ایران نیز سامان‌دهی شد. تصویب‌نامه خرید نوغان در ابتدای حکومت او در سال ۱۳۰۶ش به‌دستور هیئت وزیران مصوب شد. «در سال ۱۳۱۴خ اداره‌کل نوغان با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پيله تأسیس شد که زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شد» (گزارش صندوق مطالعاتی توسعه نوغان‌داری...، ۱۳۶۷، ص ۱۸). با شکل‌گیری این اداره تحولی چشمگیر در صنعت نوغان گیلان و ایران رخ داد.

گیلان در دوره صفوی و قاجار از دو امتیاز مهم اقتصادی برخوردار بود: نخست فراوانی باغ‌های توت برای تولید ابریشم؛ و دیگری ارتباط گیلان از مسیر دریایی و تجاری دریای کاسپین با قفقاز، روسیه و اروپا برای تجارت این محصول (Panahi & Kohansal, 2012, Vol. 10, Issue 1, pp 122-129). با توسعه نوغان‌داری در گیلان، مکان‌های پرورش نوغان به‌شکل سازه‌های تلمبار^۱ در جوار توتستان‌ها ایجاد شد. در طول زمان با توسعه ابزارها و شیوه‌های پرورش نوغان، ابریشم به مهم‌ترین کالای تجاری گیلانیان تبدیل شد و مورد توجه حاکمان قرار گرفت. «صاحبان باغ‌های توت برای پرورش کرم ابریشم، کارگرانی را در بهار به مدت یک ماه و نیم در اختیار می‌گرفتند که به آن‌ها نوغان‌دار می‌گفتند» (مظفری، ۱۳۴۷، ص ۳۴).

۳. اهمیت عریضه‌های نوغان‌داران گیلان در اوایل دوره پهلوی

در اواخر قاجار بیماری‌های پیرین و موسکاردین به صنعت پرورش تخم نوغان خسارت وارد کرد؛ در نتیجه تهیه تخم نوغان سالم به دغدغه اساسی نوغان‌داران تبدیل شد. حکومت مرکزی ایران مجبور شد تا از کشورهای دیگر از جمله ژاپن، عثمانی و روسیه تخم نوغان وارد کند (عیسوی، ۱۳۶۹، صص ۳۵۵-۳۵۶؛ جمال‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۲۵). در این اثنا سودجویان و برخی از تجار فرصت را غنیمت شمردند و برای کسب منافع وارد تجارت تخم نوغان شدند. طولی نکشید که تجارت تخم نوغان بر پرورش و تجارت فرآورده‌های ابریشمی رجحان یافت. رقابت در این زمینه باعث شد تا «در زمان حکومت مظفرالدین‌شاه، انحصار تهیه تخم نوغان برای مدت پنجاه سال در اختیار محتشم‌السلطنه اسفندیاری قرار گیرد. او نخستین کسی بود که مؤسسه نوغان تأسیس کرد» (لافون و رابینو، ۱۳۷۲، ص ۲۷). تجارت تخم نوغان در دوره محمدعلی‌شاه بیشتر از مسیر انزلی انجام می‌شد و مبدأ واردات تخم نوغان غالباً کشورهای فرانسه، ایتالیا، روسیه و ترکیه بود (لافون و رابینو، ۱۳۷۲، ص ۲۸). صنعت نوغان پس از پایان حکومت قاجار همراه با نوسانات ناشی از موقعیت سیاسی و اجتماعی آن زمان به فعالیت ضعیف خود ادامه داد.

۱. در برخی گویش‌های گیلان به آن تیله‌بار یا کرج (kerej) گفته می‌شود که در واقع محل نگهداری نوغان یا کج است.
۲. در غرب گیلان (گویش تالشی) به جای واژه نوغان «کج» رایج بوده‌است و محل نگه‌داری کرم ابریشم یعنی تلمبار «کرج» نام داشته‌است؛ درخت توت نیز «کج‌دار» تلفظ می‌شود. در این نواحی به کارگرانی که در مزارع کار می‌کنند «کرجی» گفته می‌شود (ره، ۱۳۹۶، ص ۱۵).



پس از رکود ابریشم، نخستین تجربه واردات تخم نوغان از ژاپن انجام شد که به دلیل کیفیت پایین تخم‌های وارداتی به شکست انجامید (کاردان، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶). سپس تجار ابریشم برای تقویت صنعت ابریشم، توجه خود را به اروپا و عثمانی معطوف کردند. این رویکرد موجب پیشرفتی در صنعت نوغان شد؛ تا اینکه «در جنگ جهانی اول، این صنعت به جهت شرایط جنگ سقوط کرد و پس از جنگ، دیگر^۱ تجدید حیات نمود و در سال ۱۹۲۶م، میزان مصرف تخم نوغان در گیلان به یک صد هزار جعبه رسید که نشانه پیشرفت موقتی در این زمینه بود» (کشاورز، ۱۳۳۶، ص ۱۱۴). نوسانات صنعت ابریشم در اواخر عصر قاجار و تغییرات سیاسی ایران سبب شد تا در سال‌های آغازین حکومت پهلوی مطالبه‌خواهی مردم نوغان‌دار برای بهبود صنعت ابریشم افزایش یابد. امید به بهبود وضع معیشت موجب شد تا انگیزه‌های تولید افزایش یابد. سیاست‌های جدید اقتصادی حکومت پهلوی در زمینه حمایت از تولید ابریشم و نقش مهم فرانسوی‌ها در احیای تجارت ابریشم، فرانسوی‌ها را به مهم‌ترین شریک تجاری ابریشم ایران در این دوره تبدیل کرد. در نتیجه به نظر متخصصان با سیاست اقتصادی دوسویه دولت ایران و شرکت‌های فرانسوی، صنعت ابریشم دوباره جان گرفت (انتنر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۲).

عریضه‌های نوغان‌داران به مجلس شورای ملی پس از سال ۱۳۰۶ خ - که صنعت نوغان دارای قانون و ضوابطی نوین شد - از این جهت اهمیت دارد که نشان می‌دهد قانونمندی شدن ورود تخم نوغان بر معیشت نوغان‌داران تأثیر زیادی داشته است. بیشتر این عریضه‌ها در پی فشارهای اقتصادی و وخامت اوضاع معیشتی مردم تحت عنوان شکوائیه نگارش شده‌اند. اسناد دولتی بر رکود در تولید و تجارت ابریشم در اواخر عصر قاجار دلالت دارند (مارجا، ۱۳۸۳، ص ۶). همین موضوع موجب شد تا دولت از مأموران رسمی خود بخواهد به آسیب‌شناسی دلایل کاهش محصولات اقتصادی محل مأموریت خود بپردازند. یکی از اقدامات دولت برای کنترل و نظارت بر واردات تخم نوغان، واگذاری امتیاز انحصاری آن به میرزا حسن خان اسفندیاری در بهمن ماه ۱۳۰۶ خ بود. بر اساس این قرارداد - که سند آن با عنوان نظام‌نامه تخم نوغان تدوین شد - اسفندیاری وظیفه داشت تا علاوه بر واردات تخم نوغان سالم، به ترویج و آموزش نوغان‌داری بپردازد و از سوی دیگر دولت نیز موظف بود تا از هر جعبه تخم نوغان بیش از یک قران مالیات نگیرد تا موجب افزایش هزینه تمام شده برای واردکننده و فشار بر نوغان‌داران نشود (ساکما، ۱۳۹۳/۷۴/۲۴۰). طبق گزارش‌ها به نظر می‌رسد که هدف دولت علاوه بر نظارت بر واردات تخم نوغان و دریافت مالیات از واردات آن، حمایت از نوغان‌داری ایران هم بوده است.

۱. دیگر: بلا؛ دوباره.



۴. موضوع و محتوای عریضه‌های نوغان‌داران گیلان به مجلس

اسناد موردبررسی در این مطالعه با تأکید بر عریضه‌های نوغان‌داران و تجار ابریشم گیلان به مجلس شورای ملی بین سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ خ است. اسناد موجود در آرشیو مجلس بسیار محدود بود. پنج برگ از این اسناد مربوط به سال ۱۳۰۶ خ، دو برگ مربوط به سال ۱۳۰۷ خ، یک برگ مربوط به سال ۱۳۰۸ خ، یک برگ مربوط به سال ۱۳۰۹ خ و دو برگ نیز بدون تاریخ بود. علاوه بر اسناد مجلس، از اسناد مرکز تحقیقات نوغان ایران، وزارت امور خارجه و آرشیو ملی ایران هم درباره نقش دولت در نوغان‌داری در دوره مد نظر استفاده شده است.

اسناد مربوط به سال ۱۳۰۶ خ مربوط به خسارت وارده از سوی اتباع خارجی و واردکنندگان تخم نوغان به نوغان‌داران است. واردکنندگان تخم نوغان با فروش تخم نوغان فاسد به نوغان‌داران سبب خسارات جبران‌ناپذیر به محصول نوغان گیلان شدند (کمام، ۱۳۰۶۷/۱، ۱۳۶۸۲). وضع معیشت نوغان‌داران در پی این رویداد، پریشان و فلاکت‌بار گزارش شده است. اسناد مربوط به سال ۱۳۰۷ خ نشان می‌دهد که در پی خسارات ناشی از سال گذشته نوغان‌داران توانایی پرداخت مالیات را نداشته‌اند و اجرای طرح شیروخورشید از سوی اداره مالیات فشاری مضاعف بر نوغان‌داران بوده است (کمام، ۱۳۰۷/۹/۳، شماره‌سند ۵۹۹). در پی فشارهای ناشی از اخذ مالیات در طی سال ۱۳۰۷ خ بر رعایا، تولیدکنندگان ابریشم نیز دچار اخلال اقتصادی شدند؛ به نحوی که در سال ۱۳۰۸ خ، میرزا علی‌اکبر ابریشمی صاحب کارخانه پيله‌خفه‌کنی به دلیل اخذ غیرقانونی مالیات از کارخانه‌اش شکوائیه‌ای از دست اداره مالیه به مجلس ارائه می‌کند. در سال ۱۳۰۹ خ شکوائیه‌ای از سوی رعایای دهکاه^۱ لاهیجان برای ایجاد مدرسه برای توسعه معارف و آشنایی اعیان آن‌ها با اصول امر فلاحت نوشته شده است. اهالی این روستا در پی رکودی که در اثر ناآشنایی در خرید نوغان آلوده و فاسد داشته‌اند این تصمیم را برای توسعه و آموزش جوانان بومی اتخاذ کرده‌اند (کمام، ۱۳۰۹/۱/۶، شماره‌سند ۶۹۷۸). برای بررسی موضوع و محتوای عریضه‌های نوغان‌داران گیلان به مجلس جدول زیر از اطلاعات موجود در اسناد استخراج شده است.

۱. نام روستای «دهکاه» امروزی در منابع اسنادی دوره قاجار به صورت «دهکاه» آمده است (بناهی، عباس، ۱۳۹۸). اسناد گیلان در دوره مشروطیت، تهران: کتابخانه و مرکز آرشیو مجلس شورای اسلامی، ص ۲۳۷.

موضوع سند	ارسال کننده سند	تاریخ سند
تقاضای دادرسی به عریضه زارعین قراء لاهیجان	عریضه محمود رضا نماینده لاهیجان	۱۳۰۶/۶/۲۸
درباره خسارات وارده به آنان ازسوی مفتش اداره نوغان و درخواست رسیدگی برای احقاق حقوق مشروعه شان	عریضه رعایای نوغان دار گیلان	۱۳۰۶/۶/۲۹
در اعتراض به فشار و تعدیات اتباع خارجه و خسارات وارده ازسوی آنان در فروش تخم نوغان های فاسد به زارعین	عریضه رعایای گیلان به وسیله حضرت آقای محمود رضا نماینده دارالشوراء	۱۳۰۶/۷/۱
درباره اوضاع پریشان و فلاکت بار آنان از نبود نوغان در اثر ستم های وارده ازسوی حاملین	عریضه رعایای نوغان دار گیلان	۱۳۰۶/۷/۲۹
درباره اوضاع سخت معیشتی شان به واسطه نبود نوغان و زراعت و اختلاف میان مالکین ورتنگان مرحوم میرزا عیسی خان منجم باشی	عریضه رعایای قریه سرهند دیوشل	۱۳۰۶/۹/۴
راجع به شکایت خرده مالکان توپم از فشار مالیاتی نشان شیروخورشید	پاسخ وزارت مالیه به مجلس	۱۳۰۷/۹/۳
تقاضای کاهش مالیات نوغان	تلگراف قاسمیان یکی از اهالی رشت	۱۳۰۷/۱۰/۱۵
شکوائیه از اداره مالیه به جهت اخذ غیرقانونی مالیات کارخانه پبله خفه کنی او	عریضه میرزا علی اکبر ابریشمی	۱۳۰۷/۹/۴
برای ایجاد مدرسه جهت توسعه معارف و آشنایی اعقاب آنها با اصول امر فلاحت	عریضه رعایای دهکاه لاهیجان	۱۳۰۷/۹/۶
درباره سنگینی مالیاتشان و تقاضای تخفیف و رسیدگی	عریضه اهالی آبکنار انزلی	بی تا
به مجلس و درخواست تخفیف مالیات به جهت عمل نیامدن نوغان	عریضه رعایای سلمان لنگرود	بی تا

جدول ۱

موضوع اسناد نوغان داران به مجلس در سال های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ خ

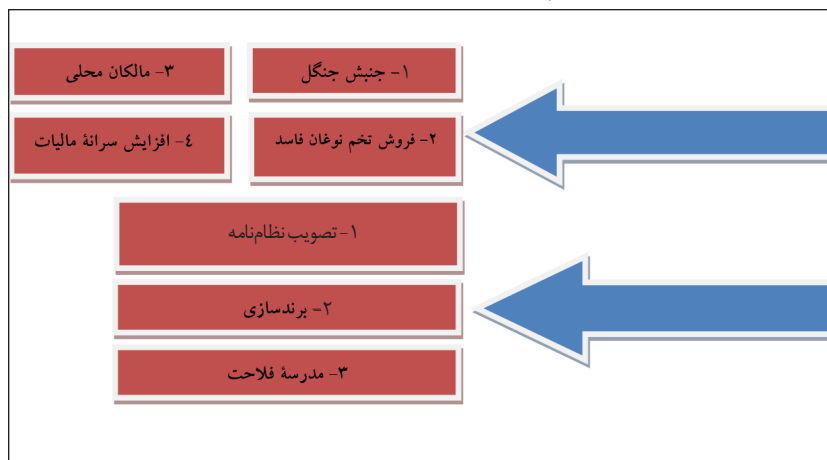


درین اسناد صندوق نوغان نامه سیداسماعیل قائم‌مقامی به شارل سکران موجود است. در این نامه قائم‌مقامی به امنیت گیلان پس از قاجاریه اشاره دارد و سکران را برای آموزش صنعت ابریشم به گیلان دعوت می‌کند. سکران فرانسوی در سال ۱۹۱۷م معلم مدرسه نوغان‌داری لافون در رشت بوده‌است (ره، ۱۳۹۶، ص ۹۴). در اسناد سایر مراکز آرشیوی نیز موضوع فراز و فرود تولید و تجارت ابریشم و سیاست‌های حمایتی دولت برای افزایش تولید و تجارت این محصول در سال‌های مورد بررسی گزارش شده‌است.

۵. عوامل مؤثر در سیر نزولی اقتصاد ابریشم در سال‌های نخست سلطنت رضاشاه

اسناد مورد بررسی به رکود صنعت نوغان‌داری در گیلان اشاره دارند. در اینفوگراف شماره ۱ به بخش‌بندی موضوعی اسناد عریضه‌های نوغان‌داران گیلان اشاره شده‌است. در اسناد مرتبط، به نکاتی بااهمیت در زمینه معیشت مردم اشاره شده‌است. گیلان در اواخر حکومت قاجار درگیر ناملایمات بسیاری بود. چهار عامل ۱- وقوع جنبش جنگل، ۲- فروش تخم نوغان فاسد، ۳- مالکان محلی، و ۴- افزایش سرانه مالیات از صادرات نوغان به خارج از کشور سبب شد تا معیشت نوغان‌داران وضعیتی فلاکت‌بار پیدا کند و حرفه نوغان‌داری در گیلان رو به افول گذارد؛ چنان‌که در یکی از عریضه‌های مردم به مجلس آمده‌است؛ «خرابی‌های تخم نوغان‌های اروپائیان مشهودِ خاطرِ مبارکِ آن مقدسه و عموم ایرانیان است. مخصوصاً محل آستانه اشرفیه که دارای پنج هزار نفوس [است] و معاش آن‌ها منحصر به نوغان [است] و [به دلیل] کاهش درآمد نوغان به طوری اهالی پریشان‌اند [که از دوماه قبل برای معاش و قوت یومیه معطل مانده‌اند]» (کمام، ۱۵۳۶). معیشت بخش وسیعی از مردم گیلان به نوغان‌داری وابسته بوده‌است و رکود این صنعت، زندگی مردم گیلان را تحت الشعاع قرار می‌داده‌است.

نتیجه پردازش عریضه‌های نوغان‌داران در اینفوگراف زیر آمده‌است.



شکل ۱

نتیجه پردازش عریضه‌های نوغان‌داران
در سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ خ

۱.۵. علل سیاسی و اقتصادی افول نوغان‌داری در گیلان

در اواخر عصر قاجار عوامل متعددی زمینه ضعف صنعت ابریشم گیلان را فراهم آورد. یکی از مهم‌ترین عوامل سیاسی مؤثر در این رکود، وقایع هفت‌ساله جنبش جنگل بود. هرچند نهضت جنگل در فاصله زمانی (۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ خ) رخ داد، ولی پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی آن در اقتصاد محلی گیلان تا مدت‌ها پابرجا ماند. وقوع این جنبش در جغرافیای ابریشم‌خیز گیلان و حضور تجار و تولیدکنندگان ابریشم در بدنه جنبش جنگل سبب شد تا کالای مذکور در این برهه زمانی بیش از سایر کالاهای تولیدی گیلان دچار خسارت شود. سرمایه‌گذاران ابریشم توان اقتصادی مقابله با این بحران را نداشتند؛ در نتیجه کارخانه‌ها یکی پس از دیگری تعطیل شدند. در یکی از عریضه‌ها، حاجی میرزاعلی‌اکبر ابریشمی اظهار می‌دارد که بالغ‌بر بیست سال است که در خارج از شهر رشت کارخانه پيله‌خفه‌کنی تأسیس کرده‌است؛ ولی حال تلاش او را یک‌شبه جنگلی‌ها نابود کرده‌اند. او می‌نویسد: «بالغ‌بر بیست سال است که در خارج شهر رشت بنای کارخانه پيله‌خفه‌کنی تأسیس نموده و در انقلاب رشت به کلی متجاسرین از بین بردند. بعد از تحمل خسارات فوق‌الطاقة دوسه‌سال [ه] به‌طوری راه انداخته شده [که] هر سال فقط یک ماه و نیم در آنجا سکونت نموده و مشغول خرید پيله‌خفه‌کنی، حمل فرنگستان می‌نمایم» (کمام، ۱۳۸۷، ۵۳).

در سند دیگری از اداره نظمیة رشت، ولد حاج محمد صراف می‌نویسد: «پدرم اداره پيله‌خفه‌کنی به مشارکت سقالی‌دیس در چکوور داشت. من با میرزاعلی، آدم او، قرار شد برویم اداره آنجا را برچینیم، مجاهدین مانع شدند» (ساکما، ۱۳۹۲، الف و ب). نهایتاً حاج

۱. از روستاهای ناحیه گسکر و جزء شهرستان
صومعه سراسر است.



معین‌الممالک کارخانه مذکور را شبانه در غیاب میرزا امان‌الله مباشر حاج‌محمد صراف برچید و با کرجی به رشت منتقل کرد. با گسترش جنبش جنگل و تسلط جنگلی‌ها بر گیلان تجار بسیاری برای حفظ منافع خود همراه جنگلی‌ها شدند. «در شهر رشت و اطراف صدی نودوپنج از افکار عامه طرفدار جنگلی‌ها شده و کم‌کم منتفدین و ملاکان معتبر که عدم موفقیت اردوی دولتی را یقین می‌نمودند، محرمانه درصدد پیدا کردن روابط با جنگلی‌ها بوده و با این ترتیب می‌خواستند آتیه خود را تأمین و املاک خود را در تحت حمایت وارد آورند» (ساکما، ۹۲۳۴). در نتیجه تداوم این وضعیت تجارت‌خانه استیونس نیز - که مبادلات کالاهای خود را از طریق تجارت‌خانه تومانیانس^۲ انجام می‌داد - برای حفظ دارایی خود و غارت‌نشدن آن توسط جنگلی‌ها دارایی خود را از گمرک انزلی خارج کرد. با این حال بخش بزرگی از اموال تجارت‌خانه استیونس در انبارهای گمرک انزلی قرار داشت و پس از اینکه «بلشویک‌ها انزلی را بمباران کردند، وارد انزلی شده کلیه انبارها و بارها را توقیف کردند... بعد از چند روز دیگر کوچک‌خان وارد رشت شد و بارها را به رشت خواست. در همان وقت چهار عدل آن را بلشویک‌ها سرقت کردند» (ساکما، ۳۲۸/۵۱).

وقایع ناشی از جنبش جنگل موجب مسدود شدن راه تجارت دریایی انزلی به باکو و آستاراخان شد؛ در نتیجه بازرگانان ابریشم خسارات زیادی متحمل شدند (رواسانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۴). بنابر گزارش‌های موجود، تولید ابریشم در سال‌های پس از جنبش جنگل به دلیل از بین رفتن توتستان‌ها و خساراتی که به تجار ابریشم وارد شده بود، به مقدار بسیار زیادی کاهش یافت. این موضوع نقش مهمی در رکود ابریشم در سال‌های نخست حکومت رضاشاه داشت.

علاوه بر وقایع ناگوار سیاسی نبود نظارت دولتی بر تولید و توزیع تخم نوغان موجب شد تا تخم‌های آلوده به بیماری از خارج وارد چرخه تولید گیلان شود. واردات بی‌ضابطه تخم نوغان فاسد در اواخر عصر قاجار یکی از دلایل ضربه بر ابریشم گیلان بود. به قول ملک‌آرا «شاه و حاکمان غیر از لذات نفسانی از قمار، شکار، ظلم، رشوه، پیشکش و تعارف چیزی دیگری نمی‌دانند و [به] خیال اصلاح [وضعیت] ابریشم نیفتادند» (ملک‌آرا، ۱۳۶۱، ص ۱۱۲). تجار منفعت‌طلب این روند را در اوایل عصر پهلوی هم دنبال کردند.

بر اساس اسناد عریضه‌های نوغان‌داران به مجلس در سال ۱۳۰۶ خ، گروهی از تجار برای کسب منافع مقدار زیادی تخم نوغان فاسد را به جای معدوم کردن بین نوغان‌داران گیلان توزیع کردند که این عامل ناقوس مرگ صنعت ابریشم ایران را به صدا درآورد. «پنج هزار نفوس و معاش آن‌ها منحصر به نوغان [اند] و [به دلیل] نبود نوغان به طوری اهالی

۱. هیلد براند استیونس پسر فرانسویس استیونس تاجر ابریشم بود که در سال ۱۸۷۵ م از عثمانی به ایران آمد. او یکی از معدود انگلیسی‌هایی بود که در کمپانی زیگلر خدمت می‌کرد. او پس از مدت کوتاهی تجارت‌خانه‌ای در تبریز تأسیس کرد و به کار واردات و صادرات مشغول شد.
۲. هاراتون تومانیانس در ۱۲۵۷ خ مؤسسه تجاری خود را در تبریز تأسیس کرد. این تجارت‌خانه نخستین مرکزی بود که در ایران به کار صرافی و صادرات و واردات با روسیه پرداخت و در سال ۱۳۰۹ خ رسماً وارد کار صرافی و بانکداری شد.

پریشان شده [اند] که از دوماه قبل برای معاش و قوت یومیه معطل مانده [اند]. قسمت بزرگ این فجایع و خرابی از اثر طمع کاری‌های آقای حاج معین‌التجار بوشهری است که به واسطهٔ ارزانی قیمت ایشان خریده به رعایا و فقرا به عوض هر بابی^۱ یک من^۲ پیله معامله کرده‌اند. با این فلاکت و گرفتاری همان تخم نوغان‌های خراب را که هر بابی هشت قران خریده‌اند هر بابی یک من پیله مطالبه دارند. روز [و] شب فقرا و رعایا در فشار مطالبه و سخت کاری‌های حاملین ایشان هستند» (کِمام، ۱۵۳۶). نوغان‌داران گیلان در عریضه‌ای دیگر به مجلس عاملان فروش تخم نوغان فاسد را معرفی کرده‌اند و یادآور شده‌اند: «در موضوع خرابی تخم نوغان اگر ثابت شود که مسیو دوبردوی فرانسوی مفتش ادارهٔ نوغان خدعهٔ بزرگی به گیلانی نموده و ماها را دچار دو کرور تومان خسارت تخم نوغان نموده است، جبران این ضرر را که باید بکنند؟ برای ثبوت خدعهٔ او یک جعبه از تخم نوغانِ وطن عزیز مسیو دوبردو را که فرانسه باشد با لاک و مهر ادارهٔ فرانسه به توسط جناب آقای دکتر مصدق نمایندهٔ محترم مجلس انفاذ^۳ حضور مبارک نمایندگان محترم نمودیم. آخر درخواست بفرمائید از متخصص نوغان که در دو بیست هزار جعبهٔ نوغان واردهٔ امساله، که به قول خودتان ممیزی [هم] نمودید، پنج هزار جعبهٔ فاسد نبود [؟] که او را رد کرده. برای اسکات^۴ قلب ما [هم] که [شده] بفرمائید تخم نوغان تقلب وارد کرده‌ام که چه خرابی تخم نوغان امساله را در محیط گیلان نمی‌شود مخفی داشت. با وجود بر این، اعلان کفالت شه‌بندری جمهوری ترکیه را روزنامهٔ ایران که دلالت بر فساد تخم نوغان امساله می‌کند جناب مسیو دوبردو چه جواب خواهند داد؟ از شما حامیان ملت استمداد می‌کنیم که به عرایض مظلومانه رسیدگی کرده نگذارند حقوق حقّهٔ ما را پایمال کنند» (کِمام، ۱۳۳۷۵). تجارت‌خانه‌های خارجی از مهم‌ترین عوامل فلاکت اقتصادی مردم بودند (کِمام، ۱۳۰۶۷/۱، ۱۳۳۸۲).

عامل دیگری که موجب کاهش تولید ابریشم در گیلان در اواخر عصر قاجار و اوایل عصر پهلوی شد فشار ملاکان بر رعایا بود. در سندی رعایای قریهٔ «سره‌ند دیوشل» ملاکان محلی را عامل اصلی مشکلات اقتصادی نوغان‌داران معرفی کرده‌اند (کِمام، ۱۱۵۴۷۰). به‌طور کلی مالکان محلی به دلیل برخورداری از ثروت و قدرت نقشی تعیین‌کننده در ساختار اقتصادی رعایا داشتند و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها مسیر زندگی اقتصادی روستائیان را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.

افزایش مالیات هم بر کاهش تولید ابریشم تأثیرگذار بوده‌است. حاکمان پیش از رضاشاه مالیات ابریشم را به‌صورت نامنظم و بدون هیچ‌گونه نظم و قاعده‌ای از تولیدکنندگان ابریشم و تجار دریافت می‌کردند؛ ولی قانون رسمی دریافت مالیات از نوغان در سال ۱۳۰۶ خ

۱. در گیلان برای تجارت تخم نوغان و نخ ابریشم از اوزانی نظیر «گیروانکه» و «باب» استفاده می‌کرده‌اند. بر این اساس هر ۶ کلاف نخ خام ابریشم و یا ۶ بسته تخم نوغان تحت عنوان «یک باب» بسته‌بندی می‌شده‌است و معمولاً نوغان‌دار به‌صورت پایاپای درازای دریافت یک باب تخم نوغان می‌بایست یک من پیلهٔ تر به فروشندهٔ تخم نوغان تحویل دهد (نقل قول از استاد احمد اداره‌چی گیلانی).

۲. هر «من» برابر با سه کیلوگرم است (فرهنگ عمید، ذیل من).

۳. روانه

۴. اسکات: ساکت کردن؛ آرام کردن.



وضع شد. در پی وضع قانون مذکور، نوغان‌داران موظف شدند بر اساس نرخ مصوب دولتی بخشی از درآمد ناشی از تولید و فروش نوغان را به دولت بپردازند. در سند اداره مالیه به صراحت آمده است که در تعیین محصول املاک گیلان بین مالکان و مالیه اختلاف ایجاد شده بود و به دلیل پایان برداشت محصول تشخیص میزان کل عایدات املاک مقدور نبود؛ بنابراین با موافقت نمایندگان گیلان به تناسب وضعیت زراعتی هر محل مأخذ تعیین مالیات مشخص و به مالیه ابلاغ شد (کمام، ۵۵۹). وضع این قانون هم‌زمان با فقر و رکود اقتصادی در جامعه ایرانی بار مضاعفی را بر دوش نوغان‌داران افکنده بود؛ به نحوی که در یکی از عریضه‌ها، اهالی رشت کاهش مالیات تعیین شده برای نوغان‌داران را خواستار شده‌اند. به عقیده آنان «یگانه وسایل امور معاشیه رعایای فقیر حدود شمال ایران از قبیل گیلان، مازندران، استرآباد و توابع خراسان بسته به عمل نوغان است و این تاکس^۱ [مالیات] جدید سبب خواهد شد که نوغان‌داران فقیر از خرید تخم نوغان خودداری کنند و عمل نوغان هم به کلی معدوم شود» (کمام، ۱۱۴۳). مالیات نوغان فشار زیادی بر تولیدکنندگان ابریشم وارد کرده بود؛ به طوری که میرزا علی اکبر ابریشمی در نامه‌ای به مجلس شکوائیه‌ای از دست اداره مالیه ارائه می‌کند و اخذ مالیات از کارخانه پيله خفه‌کنی خود را غیرقانونی می‌داند؛ زیرا معتقد است: «هم چندین نفرها از این راه امرار معاش می‌نمایند و هم یک خدمت به صادرات مملکت است. حالیه اداره مالیه رشت برخلاف قانون جاریه مملکت مطالبه مالیات می‌نماید؛ در صورتی که به هیچ وجه مشمول هیچ ماده از قانون مالیات مستغلات نیست» (کمام، ۵۳۸۷). مردم شلمان در عریضه‌ای به مجلس به دلیل «عمل نیامدن نوغان» تخفیف مالیات را خواستار شده‌اند (کمام، ۱۷۷۴). شدت آسیب اقتصادی به رعایای نوغان‌دار سبب شد تا نماینده نوغان‌داران لاهیجان از نماینده شهرشان در مجلس محمود رضا بخواهد تا به مجلس و دولت پیشنهاد دادرسی بدهد (کمام، ۱۳۳۷۵). هر چند با ارائه این شکایت و دادخواهی توسط نماینده لاهیجان به مجلس نتیجه‌ای عاید نوغان‌داران نشد، ولی مطرح شدن ادعای فوق نشان‌دهنده وخامت اوضاع اقتصادی نوغان‌داری در لاهیجان و به طور کلی در گیلان بوده است. البته در امتیازی که دولت به میرزا حسن خان اسفندیاری برای واردات تخم نوغان واگذار کرده بود تصریح شده بود که مالیات هر جعبه تخم نوغان به دولت یک قران است (ساکما، ۲۴۰/۷۴۸۹۵)؛ ولی این که حکام محلی چگونه و به چه مقدار مالیات دریافت می‌کرده‌اند، موضوعی است که موجب ارسال شکوائیه‌های روستائیان و نوغان‌داران به مجلس می‌شده است.

1. Tax

۲.۵. توسعه نوغان‌داری

در ابتدای حکومت پهلوی به دلیل اهمیت اقتصادی صنعت ابریشم در اقتصاد ملی، در قوانین این صنعت بازنگری شد. وزیر وقت فلاح و تجارت و فواید عامه محمود جم در راستای وضع قوانین در سطوح مختلف، وضعیت فلاح و به تبع آن نوغان‌داری را در اولویت سیاست‌های اقتصادی قانون‌گذاران دولت قرار داد؛ به‌ویژه اینکه نوغان‌داران در رقابت‌های تجاری بازرگانان برای واردات تخم نوغان خسارت دیده بودند. به نظر می‌رسد مطالبه‌خواهی نوغان‌داران یکی از عوامل اصلی توجه حاکمیت به قانونمند کردن صنعت ابریشم بوده است (ساکما، ۲۴۰/۷۴۸۹۵؛ کاما، ۱۱۴۳، ۱۵/۱۰/۱۳۰۷).

سیر توسعه صنعت ابریشم در ابتدای دوره پهلوی را به سه بخش می‌توان تقسیم کرد:

الف. تصویب نظام‌نامه ورودیه تخم نوغان: مهم‌ترین اقدام رضاشاه در ابتدای حکومتش سازمان‌دهی ابریشم ایران بود. تصویب‌نامه خرید نوغان در ابتدای حکومت او در سال ۱۳۰۶ خ به دستور هیئت وزیران تصویب شد (مرکز تحقیقات نوغان، ۱۴۶۷۲/۵۹۲۰؛ گزارش صندوق مطالعاتی توسعه نوغان‌داری، ۱۳۶۷، ص ۱۸). در سال ۱۳۰۷ خ نظام‌نامه ورودیه تخم نوغان به ایران در ۱۷ ماده منتشر و به تجارت‌خانه‌ها و مراکز اجرایی ارسال شد (مرکز تحقیقات نوغان، سند اهدایی خانواده نعیمی اکبر، ۱۳۰۷ خ). در ماده اول به تجار واردکننده تخم نوغان تأکید شد که هر ساله تا اول بهمن‌ماه تخم نوغان خود را برای قرنطینه و جلوگیری از ورود بیماری‌های شایع تخم نوغان به اداره تفتیش نوغان تحویل دهند. براساس سند مذکور اداره تفتیش تخم نوغان داخلی فقط در گیلان موجود بود. طبق ماده دوم، گمرکات چهار شهر پهلوی، مشهد، کرمانشاه، و تبریز مسئولیت تحویل گرفتن تخم نوغان‌های وارده را برعهده گرفتند. اجازه معامله تخم نوغان در داخل فقط در صورت تفتیش مجاز شد. ماده سوم، مهر این اداره را شیر و خورشید معرفی می‌کند و ماده چهارم تأکید دارد که در بنادری که تخم نوغان وارد می‌شود معلم مخصوصی گمارده شود که با بررسی علمی و ذربین‌های مخصوص به معاینه و امتحان تخم نوغان بپردازد. از ماده پنجم تا پانزدهم این نظام‌نامه مباحث مربوط به ویژگی‌های تخم نوغان و تفتیش آن ذکر شد و واردکنندگان موظف شدند بر روی بسته‌بندی‌های ورودیه تخم نوغان نکات زیر را درج کنند: محل عمل آوردن؛ مملکتی که تخم نوغان را تولید کرده است؛ تاریخ عمل آوردن؛ عده جعبه؛ نمرات قسمت‌های تولیدی، نژاد و رنگ پيله؛ مقدار محصول پيله که در یک گرم [گرم] تخم نوغان عمل آمده است؛ تصدیق اینکه مؤسسات عمل آورنده تخم نوغان تحت تفتیش حکومت محلی بوده‌اند؛ و مخصوصاً ذکر این نکته که هنگام تربیت برای تخم‌های



وارد هیچ‌یک از امراض (فلاشری و گراسری) ملاحظه نشده باشد. در ماده هفده، نظام‌نامه وزارتت مورخه ۱۴ دی ماه ۱۳۰۴ خ درباره تفتیش تخم نوغان ملغی شد (مرکز تحقیقات نوغان، ۱۴۶۷۲/۵۹۲۰).

در گزارش وزارت اقتصاد ملی از وضعیت نوغان‌داران در سال ۱۳۱۱ خ آمده است: «نظر به اینکه کساد بازار پیله در خارجه و افزایش مخارج ترانزیت آن از راه روسیه مشکلاتی برای صدور جنس ابریشم تولید نموده است، چنانچه با صاحبان این جنس مساعدتی نشود ممکن است دچار خسارات زیاد شده و در نتیجه به توسعه زراعت ابریشم سخته وارد شود. اینک برای رفع منظور، ماده واحده زیر را پیشنهاد و تصویب آن را تقاضا می‌کنیم: اداره کل تجارت مجاز است در مقابل درخواست‌های منضم به تصدیق صدور پیله که اسعار آن فروخته شده باشد، از نوع اجناسی که به موجب کنتنژان^۱ سال اقتصادی ۱۳۱۱ خ ورود آن‌ها مجاز می‌باشد، خارج از سهمیه مذکور در کنتنژان مزبور جواز ورود بدهد» (ساکما، ۲۵۴۱۳/۲۲۸۶). در سال ۱۳۱۴ خ اداره کل نوغان با هدف تهیه و توزیع تخم نوغان و خرید پیله تأسیس شد. این اداره زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شد (گزارش صندوق مطالعاتی توسعه نوغان‌داری، ۱۳۶۷، ص ۱۸)؛ تأسیس این اداره تحولی جدی برای رونق ابریشم گیلان به شمار می‌رفت.

ب. برندسازی تخم نوغان: براساس گزارش‌ها پس از بروز بیماری در نوغان و ایجاد بازار رقابتی برای تهیه تخم نوغان از خارج کشور، ژاپن توانست بازار تولید و فروش تخم نوغان را به انحصار خود درآورد. «شرکت رالی و برادران از سال ۱۲۸۶ ق کوشیدند تا از ژاپن تخم نوغان وارد کنند» (جمال‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۲۷)؛ ولی دیری نپایید که عثمانی و روسیه نیز در رقابت با ژاپنی‌ها وارد بازار ایران شدند. در نتیجه «برادران پاسکالی [پاسقالدی] با وارد کردن تخم نوغان از ژاپن، عثمانی (بورسا و خانقین عراق) و روسیه توانستند تولید ابریشم را دوباره رونق بخشند» (جمال‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۲۷؛ عیسوی، ۱۳۶۹، صص ۳۵۵-۳۵۶). برخی از تجار برای کسب منفعت بیشتر تخم نوغان‌های فاسد را معدوم نمی‌کردند و آن‌ها را با قیمتی پایین‌تر به مردم بینوا می‌فروختند. در برخی از گزارش‌ها و مکتوبات به وضوح شرکت‌های متعدد واردکننده مورد اتهام قرار گرفته‌اند. بنابراین برخی از دولت‌ها در جهت حل این مشکل و در پی کسب منافع بازار و اطمینان به بازار مصرف درصدد برآمدند محصول خود را به برند تبدیل کنند؛ به نحوی که در سواد حکم وزارت خارجه به منتظم‌الملک، کارگزار گیلان در ۲۲ صفر ۱۳۱۷ به برند دولت ایران اشارتی شده است (استادوخ، سند ۱۸-۲۹-۱۳۱۷). در مقابل دولت عثمانی هم نشان خود را به عنوان برند

۱. کنتنژان: سهمیه اقتصادی.

تخم نوغان وارد بازار کرد که در سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۲۴ق / ۱۸۹۹-۱۹۰۶م (سال‌های اوج تجارت تخم نوغان) با دیگر محصولات رقابت کند. شرکت لاسقاریدیس، پاسکالدیس و مسیو پهناچی موفق شده بودند تا امتیاز نشان مرغ دوسر را از دولت عثمانی دریافت کنند و آن را بر روی جعبه‌های تخم نوغان کمپانی‌های خود چاپ کنند. در کنار این تاجر و کمپانی‌ها، از تاجر دیگر مانند میرزا هاریطون کالوستیان، مسیو رمادی یونانی، اودیس مسیحی، سیمون و استپان پسران یوسف‌بیک از اتباع عثمانی هم می‌توان نام برد که در زمینه تجارت تخم نوغان بسیار فعال بودند (حسنی، ۱۳۸۶، صص ۱۳-۱۴).

فعال‌ترین شرکت واردکننده تخم نوغان در اواخر عصر قاجار شرکت پاسکالدی بود که در اوایل عصر رضاشاه نیز نقشی مؤثر در تجارت ابریشم داشت (سیف، ۱۳۸۰، صص ۱۱۸). علاوه بر شرکت پاسکالدی، تجارت‌خانه‌های روسی-ایرانی‌ای هم که در تجارت تخم نوغان نقش داشتند مانند طومانیانس، براساس سند مورخ ۴ ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق / ۶ مارس ۱۹۰۰م، وزارت امور خارجه به ریاست نصرالله مشیرالدوله، طی یادداشتی به منتظم‌الملک، کارگزار گیلان تأکید کردند که «رعایای گیلان و تجاری که در تجارت و فروش تخم نوغان با اتباع روسی، قرارداد می‌بندند [قراردادشان] باید به مهر دولتی مهور شود تا معتبر گردد. در ضمن سند معاملات آن‌ها در کارگزاری مهم خارجه، به امضاء و مهر دولتی برسد تا مشکلاتی برای اتباع آن منطقه به وجود نیارد» (استادوخ، سند ۱۸-۲۹-۱۳۱۷ق). قانون مذکور تا ابتدای دوره پهلوی محفوظ ماند و درازای مهور شدن جعبه‌های نوغان به نشان شیروخورشید از تجار مالیات دریافت می‌شد. این مبلغ بر قیمت تمام‌شده محصول اثرگذار بود؛ بنابراین خرده‌مالکان تاب رقابت نداشتند و شکوایه‌هایی به مجلس و وزارت مالیه ارسال کردند. در اسناد مربوط به مجلس در تاریخ ۱۳۰۷/۹/۳ عریضه‌ای در رابطه با پاسخ وزارت مالیه به شکایت خرده‌مالکان تولم از فشار مالیاتی نشان شیروخورشید بر برنج و ابریشم دیده می‌شود (کمام، ۵۹۹).

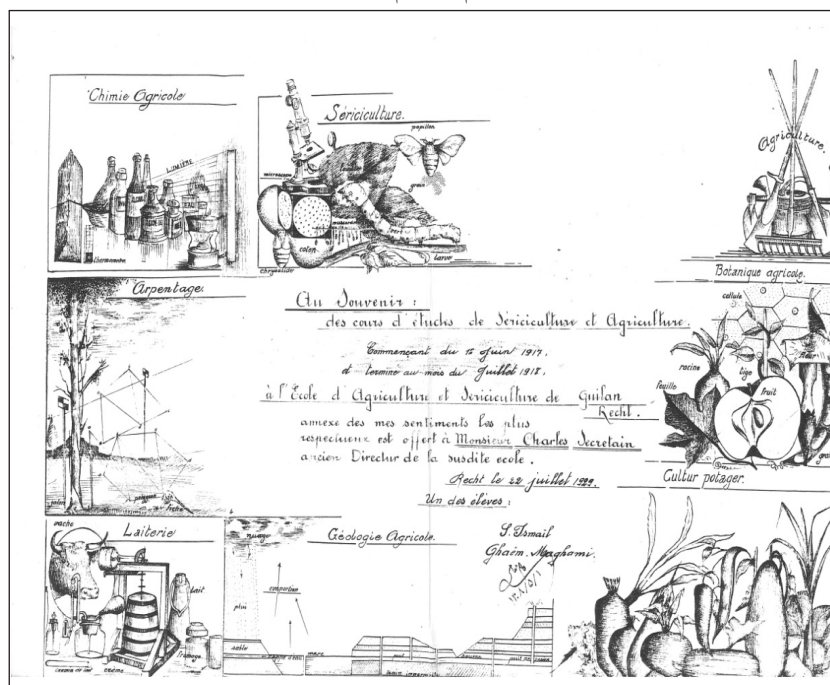
برندسازی تخم نوغان برای حفظ تجارت ابریشم کافی نبود؛ بنابراین در ابتدای حکومت پهلوی وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه برآن شد تا برای برون‌رفت از این چالش قوانین متممی برای حفظ و احیای نوغان‌داری و تجارت آن وضع کند؛ بنابراین دولت به حمایت از تجارت‌خانه‌های فرانسوی پرداخت؛ زیرا آن‌ها با اتخاذ سیاست مشارکت با تجار داخلی توانسته بودند نظر دولت را جلب کنند و در رقابت برای انحصاری کردن تجارت ابریشم از دیگر رقبا پیشی بگیرند. بر مبنای سندی که از تجارت‌خانه زاک گاستورگ موجود است آقای نعیمی اکبر تنها نمایندگی این شرکت را در گیلان-رشت برعهده داشته‌است. تجارت‌خانه مذکور دستورالعمل تربیت درخت



توت و پرورش کرم ابریشم را به‌ضمیمه قانون ۱۷ ماده‌ای مصوب دولت در رابطه با خرید تخم نوغان در سال ۱۳۰۷ خ منتشر کرد. این امر سبب شد تا برندهای مطرح، تحت نظر نمایندگی شرکت مذکور در گیلان تجارت کنند. در صفحه نخست این دفترچه آمده است: «تخم نوغان ارمنستان شوروی در تحت مارک «آی گیوخ کوپ» [که] در مدت ۳ سال متوالی امتحانات خوبی در ایران داده و از حیث مقدار و جنسیت محصول پيله نسبت به تخم نوغان‌های مارک [های] متفرقه مقام اولی را حائز شده، امسال نیز وارد [شده] و در تجارت‌خانه زاک گاستورک در رشت برای رفاه حال نوغان‌داران و مالکین به‌قیمت مناسبی به فروش می‌رسد. یقین است که مصرف‌کنندگان محترم صرفه و صلاح خود را در نظر گرفته مثل سنوات سابق در خریداری آن نسبت به مارک‌های دیگر سبقت خواهند جست» (مرکز تحقیقات نوغان، ۱۴۶۷۲/۵۹۲، ۱۳۰۷/۱۱/۲۹ خ).

ج. مدرسه فلاح: در پی تحولات نوگرایی در ایران در اواسط عصر قاجار، براساس روش‌های اروپایی تحولات بسیاری در عرصه آموزش انجام شد. آدمیت اقدامات امیرکبیر را در راستای رشد تکنولوژی داخلی می‌داند. به این منظور ناصرالدین شاه صنعتگران را برای آموزش به روسیه و فرانسه و دیگر کشورها می‌فرستاد و برای ارتقاء صنعت ابریشم نیز اقداماتی انجام شد؛ بدین‌منظور «دو نفر از حریربافان کاشان برای «آموختن چرخ ابریشم» به اسلامبول فرستاده شدند. ابریشم ایران در این زمان در گیلان و کاشان رونق زیادی داشت و زمینه برای پیشرفت آن آماده گردید» (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۸۵). آدمیت معتقد است که با اتکا به همین آموزش حدود سال ۱۲۷۰ ق کارخانه حریربافی کاشان تأسیس شد (آدمیت، ۱۳۴۸، ص ۳۹۰). دیری نپایید که با تأسیس مدارس در سطح کشور استادان برتر حرفه‌های متعدد به ایران دعوت شدند و اعزام دانشجو و هنرور به خارج کم‌رنگ‌تر شد. در دوره پهلوی با بسترسازی سیاسی و اقتصادی به نقش ابریشم در تولید ملی بیشتر توجه شد. نامه قائم مقامی به شارل سکران گویای تلاش‌های نخستین برای احیای دوباره ابریشم در اواخر عصر قاجار و اوایل عصر پهلوی است. اندکی پیش از وقوع جنبش جنگل متخصصان فرانسوی برای احیای ابریشم به گیلان دعوت شدند؛ ولی با وقوع آشوب و هرج و مرج از این سرزمین خارج شدند. برگشت دوباره آرامش به گیلان و توجه به رونق دوباره این محصول موجب شد تا متخصصان این حوزه برای احیای دوباره صنعت ابریشم به گیلان دعوت شوند. در سندی که در مرکز تحقیقات نوغان لیون فرانسه وجود دارد، ایرانی‌ای به نام سیداسماعیل قائم‌مقامی در نامه‌ای در ۲۲ ژوئیه ۱۹۲۵ / ۱ فروردین ۱۳۰۸ خ به استاد خود شارل سکران به برگزاری دوره‌های مطالعات و پرورش

کرم ابریشم و کشاورزی در سال ۱۹۱۷م در رشت اشاره می‌کند. «در مدرسه کشاورزی و پرورش کرم ابریشم گیلان- رشت، به‌انضمام احساسات بسیار صمیمانه‌ام را به آقای شارل سکرتان استاد قدیمی مدرسه فوق تقدیم می‌کنم» (مؤسسه نوغان کشور، رونوشت سند).



شکل ۲

نامه سیداسماعیل قائم‌مقامی به شارل سکرتان (مؤسسه نوغان‌داری لیون فرانسه)

هرچند آموزش‌های خارجی‌ها در زمینه ابریشم موجب بهبود نسبی در صنعت نوغان‌داری گیلان شد، ولی اسناد نشان می‌دهد که در سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۹ خ مردم گیلان نیاز مضاعف به توسعه آموزش در عرصه کشاورزی را احساس می‌کرده‌اند. مثلاً رعایای دهکاه لاهیجان در عریضه‌ای به مجلس ایجاد مدرسه برای توسعه معارف و آشنایی با اصول امر فلاحیت را تقاضا داشته‌اند (کمام، ۱۹۷۸).

۶. نتیجه‌گیری

ابریشم از عصر صفوی به‌عنوان یکی از کالاهای استراتژیک اقتصادی گیلان زمینه توجه حکومت‌های مرکزی و هم‌چنین تجار داخلی و خارجی را به گیلان فراهم کرد؛ ولی با ضعف و سقوط صفویه، اقتصاد ابریشم نیز به‌مرور رو به افول نهاد. عواملی چون بروز جنگ‌های داخلی چندساله، آفت توتستان‌ها در سال ۱۲۸۷/م ۱۲۸۷، انحصار تجارت تخم نوغان در دوره مظفردین‌شاه، بیماری‌های کرم ابریشم (موسکاردین و پیرین)،



بی‌کفایتی حاکمان محلی، و وقوع جنبش جنگل در جغرافیای ابریشم‌خیز گیلان سبب شد تا از صنعت پررونق ابریشم گیلان در اواخر قاجار اثری باقی نماند. ازسویی پس از بروز بیماری کرم ابریشم، فرصت‌طلبان به جای تجارت ابریشم به تجارت تخم نوغان پرداختند و خرید و فروش آن به پرمفعت‌ترین فعالیت صنعت ابریشم ایران تبدیل شد. عوامل مذکور همراه با بی‌عدالتی خوانین محلی سبب فقر نوغان‌داران گیلان شد. در اسناد مورد مطالعه از این دوره زمانی، نوغان‌داران شکواییه‌های زیادی را از فروش تخم نوغان فاسد به آن‌ها به دولت، مجلس و سایر دوایر دولتی ارائه کرده‌اند. آن‌ها به علت زیان‌های وارده خواستار تخفیف و بخشودگی مالیات ازسوی دولت شده‌اند. با توجه به شکواییه‌های متعدد نوغان‌داران گیلان بین سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹ خ به نظر می‌رسد این درخواست‌ها نقش مهمی در بازتاب وضعیت صنعت ابریشم در کشور داشته و دولت را ناگزیر کرده‌است تا در اوایل دوره پهلوی برای برنامه‌ریزی و توسعه صنعت ابریشم اقداماتی اساسی انجام دهد. دولت با تمرکز بر شکواییه‌های مردمی و هم‌چنین دریافت گزارش‌های دولتی از اولویت‌های اقتصادی هر منطقه به این نتیجه رسید که با برنامه‌ریزی علمی و اقتصادی در زمینه توسعه ابریشم گیلان می‌تواند این صنعت را احیا کند و از ظرفیت‌های اقتصادی آن برای توسعه اقتصادی کشور استفاده کند. در نتیجه انحصار خرید و فروش تخم نوغان از تجار سلب شد در اختیار و زیر نظارت دولت قرار گرفت و با ایجاد روش‌های نوین آموزش و بهره‌برداری در زمینه صنعت ابریشم بستر رشد صنعت نوغان‌داری در سال‌های بعد فراهم شد.

منبع

اسناد

۱- کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)

- ۱۳۰۶/۲۸، شماره‌سند: ۱۳۳۱۷۵، «عریضه رعایای نوغان‌دار گیلان به مجلس درباره خسارت وارده به آنان ازسوی مفتش اداره نوغان و درخواست رسیدگی برای احقاق مشروع‌شان».
- ۱۳۰۶/۲۹، شماره‌سند: ۱۳۳۱۷۵، «عریضه محمود رضا نماینده لاهیجان به ریاست مجلس شورای ملی و تقاضای دادرسی به عریضه زارعین قراء لاهیجان».
- ۱۳۰۶/۷/۱، شماره‌سند: ۱۳۳۱۸۲، «عریضه رعایای گیلان به مجلس در اعتراض به فشار و تعدیات اتباع خارجه و خسارات وارده ازسوی آنان در فروش تخم نوغان‌های فاسد به زارعین لاهیجان».
- ۱۳۰۶/۸/۲۹، شماره‌سند: ۱۵۳۶، «عریضه رعایای نوغان‌دار گیلان به مجلس درباره اوضاع پریشان و فلاکت‌بار آنان از نبود نوغان در اثر ستم‌های وارده ازسوی حاملین».



۱۳۰۶/۹/۴، شماره‌سند: ۱۱۵۴۷۰، «عریضه رعایای قریه سرهند دیوشل به دارالشورای ملی درباره اوضاع سخت معیشتی‌شان به واسطه نبود نوغان و زراعت و اختلاف میان مالکین ورثه‌گان مرحوم میرزاعیسی خان منجم‌باشی».

۱۳۰۷/۹/۳، شماره‌سند: ۵۹۹، «پاسخ وزارت مالیه به مجلس شورای ملی راجع به شکایت خرده‌مالکان تولم از فشار مالیاتی».

۱۳۰۷/۱۰/۱۵، شماره‌سند: ۱۱۴۳، «تلگراف قاسمیان یکی از اهالی رشت به مجلس و تقاضای کاهش مالیات نوغان».

۱۳۰۸، شماره‌سند ۵۵۹، «وزارت مالیه در پاسخ مراسله نمره ۱۳۹».

۱۳۰۸/۹/۴، شماره‌سند: ۵۳۸۷، «عریضه حاجی میرزاعلی‌اکبر ابریشمی به مجلس و شکوائیه از اداره مالیه به جهت اخذ غیرقانونی مالیات کارخانه پبله‌خفه‌کنی او».

۱۳۰۹/۱/۱۶، شماره‌سند: ۶۹۷۸، «عریضه رعایای دهکاه لاهیجان به مجلس برای ایجاد مدرسه جهت توسعه معارف و آشنایی اعقاب آن‌ها با اصول امر فلاحت».

بی‌تا، شماره‌سند: ۱۷۷۴، «عریضه رعایای سلمان لنگرود به مجلس و درخواست تخفیف مالیات به جهت عمل‌نیامدن نوغان و پاسخ مجلس».

بی‌تا، شماره‌سند: ۷۵۹۳، «عریضه اهالی آبکنار انزلی درباره سنگینی مالیاتشان و تقاضای تخفیف و رسیدگی».

بی‌تا، شماره‌سند: ۲۴۰/۷۴۸۹۵، «دستور وزارت مالیه مبنی بر میزان دریافت مالیات از تخم نوغان وارداتی».

۲- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)

«پیشنهاد وزارت اقتصاد ملی به هیئت وزرا برای رفع مشکلات ایجادشده در حوزه صدور ابریشم». نمره: ۱۳۱۱/۹/۵، ۲۵۴۱۳/۲۲۸۶.

«حکومت گیلان و طوالش به وزارت داخله». سند ۱۳۲، ۲ ربیع‌الثانی، نمره ۹۲۳۴، [ک ۱۶۹۵].

«دستور وزارت مالیه مبنی بر میزان دریافت مالیات از تخم نوغان وارداتی». سند شماره: ۲۴۰/۷۴۸۹۵.

«سواد نظام‌نامه تخم نوغان». بی‌تا، سند شماره: ۲۴۰/۷۴۸۹۳.

«گزارش غارت تجارت‌خانه تومانیانس توسط بلشویک‌ها». سند ۵۸، ۱۵ محرم [ک ۳۲۸/۵۱].

«نظمیه رشت به نظمیه گیلان، سواد راپرت دائره تأمینات». سند ۴۷، ۱۹ ربیع‌الثانی [ک ۱۶۹۲] الف.

«نظمیه رشت به نظمیه گیلان». سند ۵۴، ۲۰ ربیع‌الثانی [ک ۱۶۹۲] ب.

۳- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه (استادوخ)

سند ۱۸-۲۹-۱۳۱۷ق. «سند سواد حکم وزارت امور خارجه به کارگزار گیلان، ۲۲ صفر ۱۳۱۷ق».



سند ۱۸-۲۹-۱۳۱۷ق. «درخصوص سواد کاغذ وزارت امور خارجه به منتظم‌الملک، کارگزار گیلان، ۴ شهر ذی‌قعدة ۱۳۱۷ق».

۴. مرکز تحقیقات نوغان ایران

«دفترچه دستورالعمل تربیت درخت توت و پرورش کرم ابریشم به‌ضمیمه نظام‌نامه ورودیه تخم نوغان به ایران، تجارت‌خانه زاک گاستورک، نمایندگی گیلان - ایران، ۱۳۰۶ ه.ش». سند اهدایی خانواده نعیمی اکبر به مرکز تحقیقات نوغان ایران.
«نامه سیداسماعیل قائم‌مقامی به شارل سکران». در دو برگ، ۱۹۲۳م، اصل نامه در مرکز تحقیقات نوغان لیون فرانسه موجود است.
«نظام‌نامه ورودیه تخم نوغان به ایران، مصوبه وزیر فلاحه و تجارت و فواید عامه محمود جم». نمره سند: ۱۴۶۷۲/۵۹۲۰، مورخه ۱۳۰۷/۱۱/۲۹.

کتاب

آدمیت، فریدون. (۱۳۴۸). *امیرکبیر و ایران*. تهران: خوارزمی.
آذری، علاءالدین. (۱۳۶۷). *تاریخ روابط ایران و چین*. تهران: امیرکبیر.
اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۱۳۶۸). *المسالک والممالک*. (ایرج افشار، مصحح). تهران: علمی و فرهنگی.
اصلاح عربانی، ابراهیم. (۱۳۷۴). *کتاب گیلان*. (ج ۲). تهران: گروه پژوهش‌گران ایران.
انتز، مروین. (۱۳۶۹). *روابط بازرگانی روس و ایران*. (احمد توکلی، مترجم). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
اولتاریوس، آدام. (۱۳۶۳). *سفرنامه اولتاریوس*. (احمد بهپور، مترجم). تهران: ابتکار.
باربارو و دیگران. (۱۳۴۵). *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*. (منوچهر امیری، مترجم). تهران: خوارزمی.
باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۴). *اژدهای هفت‌سر (راه ابریشم)*. تهران: علم.
پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ. (۱۳۵۵). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*. (ج ۱). (کریم کشاورز، مترجم). تهران: نیل.
پناهی، عباس. (۱۳۹۸). *اسناد گیلان در دوره مشروطیت*. تهران: کتابخانه و مرکز آرشیو مجلس شورای اسلامی.
پناهی، عباس. (۱۳۹۳). *کارکرد اجتماعی سیاسی فرهنگی کیهانیان در گیلان*. رشت: دانشگاه گیلان.
تعالی مرغنی، حسین‌بن محمد. (۱۳۷۲). *شاهنامه کهن: پارسی تاریخ غررالسیر*. (سیدمحمد روحانی، مترجم). مشهد: دانشگاه مشهد.
جمال‌زاده، محمدعلی. (۱۳۶۲). *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*. تهران: کتاب تهران.

- حدود العالم من المشرق الى المغرب. (۱۳۶۲). (منوچهر ستوده، کوشش گر). تهران: طهوری.
- خیام. (۱۳۱۲). *نوروزنامه*. (مقدمه و حواشی و فرهنگ و تصحیح، مجتبی مینوی). تهران: کتابخانه کاوه. دهخدا، لغت‌نامه.
- رواسانی، شاپور. (۱۳۸۴). *اولین جمهوری شورائی ایران* (نهضت جنگل). تهران: چاپخش.
- سیف، احمد. (۱۳۸۰). *اقتصاد ایران به روایت اسناد در قرن نوزدهم*. تهران: چشمه.
- عمید، حسن. (۱۳۷۱). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۹). *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار* (از ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴ م). (چ ۲). (یعقوب آژند، مترجم). تهران: گستره.
- فرخ‌نیا، رحیم. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی*. (چ ۳). همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- فلسفی، نصرالله. (۱۳۵۳). *زندگانی شاه‌عباس اول*. (چ ۵). تهران: کتاب کیهان.
- قزوینی، شرف‌الدین فضل‌الله. (۱۲۸۶). *تاریخ معجم (المعجم فی آثار ملوک المعجم)*. چاپ سنگی: بی‌جا.
- کرزن، ناتانیل جورج. (۱۳۸۰). *ایران و قضیه ایران*. (چ ۱). (چ ۵). (غلام‌علی وحید مازندرانی، مترجم). تهران: کتیبه.
- کشاورز، کریم. (۱۳۳۶). *گیلان*. تهران: ابن‌سینا.
- گزارش صندوق مطالعاتی توسعه نوغان‌داری و صنایع ابریشم ایران، امکانات توسعه نوغان‌داری و صنایع ابریشم کشور.** (۱۳۳۷). وزارت کشاورزی: معاونت امور واحدهای تولید و کشت و صنعت‌ها.
- لافون، ف؛ رایینو، ه. ل. (۱۳۷۲). *صنعت نوغان در ایران*. (چ ۱). (جعفر خمایی‌زاده، مترجم). تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- مرعشی، ظهیرالدین. (۱۳۴۹). *تاریخ گیلان و دیلمستان*. (منوچهر ستوده، مصحح). تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری (مارجا). (۱۳۸۳). *گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اجتماعی-اقتصادی ایران در سال ۱۳۱۰ ه.ش*. (رضا مختاری اصفهانی، کوشش گر). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظفری، محمدولی. (۱۳۴۷). *نوغان‌دار: شعری به گویش مردم جنوب گیلان شرق (گالشی)*. تهران: کار.
- مقدسی، ابو‌عبدالله محمدبن‌احمد. (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. (چ ۲). (علی‌نقی منزوی، مترجم). تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- ملک‌آرا، عباس میرزا. (۱۳۶۱). *شرح حال عباس میرزا ملک‌آرا*. (عبدالحسین نوایی، کوشش گر). تهران: بابک.
- مهدوی، عبدالرضا (هوشنگ). (۱۳۶۴). *تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*. تهران: امیرکبیر.
- نوائی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*. تهران: پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.



مقاله

ثواقب، جهان‌بخش. (۱۳۸۱). «ابریشم گیلان». *پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۴.

حسینی، سیدرحمان. (۱۳۸۶). «ابریشم در عصر قاجار و تجارت آن از طریق دریای خزر با تکیه بر اسناد آرشیوی (۱۲۴۳-۱۳۲۷ق/۱۸۲۸-۱۹۰۹م)». فصل‌نامه *گنجینه اسناد*، س ۱۷، ش ۳ (پیاپی ۶۷).

کاردان، مهدی. (۱۳۸۰). «تاریخچه نوغان و علل بی‌توجهی به آن در گیلان و گرایش به کشت برنج». چاپ‌شده در کتاب *گیلان‌نامه: مجموعه مقالات گیلان‌شناسی*، (ج ۵). رشت: طاعتی.

پایان‌نامه

ره، نادیا. (۱۳۹۶). «نقش عوامل داخلی و خارجی بر تجارت ابریشم از دوره ناصری تا پایان عصر رضاشاه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: روشن بابایی همتی، استاد مشاور: عباس پناهی، دانشگاه گیلان.

شورمیح، محمد. (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی نقش گیلان در روند تحولات عصر صفوی تا پایان شاه‌عباس اول». رساله دکترا به راهنمایی اصغر فروغی، دانشگاه اصفهان.

منابع لاتین

- Matthee, Rudolph. (1999). *The Politics of Trade in Safavid Iran: silk for silver 1600-1730*. Cambridge University Press.
- Panahi, Abbas; Kohansal Vajargah, Hassan. (2012). "The importance of guilan silk and its economic significance at Safavid period in Caspian region". *Caspian Journal of Environmental Sciences (CJES)*, June & Number 2012, Vol. 10, Issue. 1, pp 122-129.
- Panahi, Abbas. (2017). "Role of Khorasan in commerce of the Silk Road before entrance of the Islam into Iran". *Conference Silk Road*, kazakhstan, Astana.

English Translation of References

Documents

Ketāb-xāne, Muze va Markaz-e Asnād-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament):
1306/6/28 SH / 1927-9-20, document number: 13675, "*Arize-ye ro'āyā-ye*



noqān-dār-e Gilān be majles darbāre-ye xesārat-e vārede be ānān az su-ye mofatteš-e edāre-ye noqān va darxāst-e residegi barāye ahqāq-e mašru'e-šān

(The petition of the sericulturist peasants of Gilan to the parliament regarding the damage caused to them by the sericulture administration inspector and requesting an investigation to achieve their legitimate rights).

1306/6/29 SH / 1927-9-21, document number: 13675, *“Arize-ye Mahmud-e Rezānamāyande-ye Lāhijān be riāsat-e majles-e šorā-ye melli va taqāzā-ye dādresi be arize-ye zāre'een-e qorā'-e Lāhijān*” (Petition of Mahmoud Reza, representative of Lahijan, to the chair of the National Assembly, and his request for a hearing on the petition of the farmers of Lahijan villages).

1306/7/1 SH / 1927-9-24, document number: 13682, *“Arize-ye ro'āyā-ye Gilān be majles dar e'terāz be fešār va ta'addiāt-e atbā'-e xārejah va xesārāt-e vāredeh az su-ye ānān dar foruš-e toxm-e noqān-hā-ye fāsed be zāre'een-e Lāhijān*” (The petition of the peasants of Gilan to the parliament to protest against the pressure and encroachment of foreign nationals and the damages caused by them in selling rotten silkworm eggs to Lahijan farmers).

1306/8/29 SH / 1927-11-21, document number: 1536, *“Arize-ye ro'āyā-ye noqān-dār-e Gilān be majles darbāre-ye owzā'-e parišān va falākat-bār-e ānān az nabud-e noqān dar asar-e setam-hā-ye vāredeh az su-ye hāmelin*” (The petition of the peasants of Sarhend Divshal to the National Assembly on their difficult living conditions due to lack of proper silkworm eggs and agriculture and the dispute between the owners and heirs of the late Mirza Isa Khan Monajjem Bashi).

1306/9/4 SH / 1927-11-26, document number: 115470, *“Arize-ye ro'āyā-ye qarye-ye Sarhend-e Divšāl be dār-oš-šorā-ye melli darbāre-ye owzā'-e saxt-e ma'eesāti-šān be vāsete-ye nabud-e noqān va zarā'at va extelāf miān-e mālekin-e varase-gān-e marhum Mirzā Isā Xān-e monajjem-bāši*” (The petition of the sericulturist peasants of Gilan to the parliament on their distressing and miserable situation caused by the lack of silkworm eggs due to oppressions imposed by the bearers).

1307/9/3 SH / 1928-11-24, document number: 599, *“Pāsox-e vezārat-e mālieh*



- be majles-e šorā-ye melli rāje' be šekāyat-e xorde-mālekān-e Tulem az fešār-e māliāti*" (The response of the Ministry of Finance to the National Assembly regarding the complaint of the smallholders of Tulem about the tax pressure).
- 1307/10/15 SH / 1929-1-5, document number: 1143, "*Telegrāf-e Qāsemiān yeki az ahāli-ye Rašt be majles va taqāzā-ye kāheš-e māliāt-e noqān*" (A telegram by Ghasemian, a resident of Rasht, to the parliament and demanding a reduction in silkworm egg taxes).
- 1308 SH / 1929, document number: 559, "*Vezārat-e mālieh dar pāsox-e morāsele-ye nomre-ye 139*" (Ministry of Finance in response to letter number 139).
- 1308/9/4 SH / 1929-11-25, document number: 5387, "*Arize-ye Hāji Mirzā Ali Akbar-e Abrišami be majles va šekvāeeyeh az edāre-ye mālieh be jahat-e axz-e qeyr-e qānuni-ye māliāt-e kārkhāne-ye pile-xafe-koni-ye uo*" (Haji Mirza Ali Akbar Abrishami's petition to the parliament and his complaint from the tax administration for illegal tax collection on his cocoon factory).
- 1309/1/16 SH / 1930-4-6, document number: 6978, "*Arize-ye ro'āyā-ye Dehkāh-e Lāhijān be majles barāye ijād-e madreseh jahat-e towse'e-ye ma'āref va āšnāyi-ye a'qāb-e ān-hā bā osul-e amr-e falāhat*" (The petition of the peasants of Dahkah village of Lahijan to the parliament to establish a school to develop the education of, and acquaint their descendants with the principles of the agriculture).
- n. d., document number: 1774, "*Arize-ye ro'āyā-ye Šalmān-e Langarud be majles va darxāst-e taxfif-e māliāt be jahat-e amal nayāmadan-e noqān va pāsox-e majles*" (The petition of the peasants of Shalman Langaroud to the parliament and their request for tax reduction due to uncultivated silkworm eggs and the parliament's response).
- n. d., document number: 7593, "*Arize-ye ahāli-ye Ābkenār-e Anzali darbāre-ye sangini-ye māliāteshān va taqāzā-ye taxfif va residegi*" (Petition of the residents of Abkenar Anzali about the heaviness of their taxes and their request for its reduction and more consideration).
- n. d., document number: 240/74895, "*Daštūr-e vezārat-e mālieh mabni bar mizān-e*

daryāft-e māliāt az toxm-e noqān-e vāredāti” (The verdict of the Ministry of Finance on the amount of tax received from imported silkworm eggs). [Persian] Markaz-e Asnād va Tārix-e Diplomāsi-ye Vezārat-e Omur-e Xārejeh (Ostādox) (Department of Diplomatic Documents and History of the Ministry of Foreign Affairs):

Document 1317 AH -29-18 / 1900 AD. *“Sanad-e savād-e hokm-e vezārat-e omur-e xārejeh be kārgozār-e Gilān, 22 Safar 1317 AH”* (The transcript document of the decree of the Ministry of Foreign Affairs to the broker of Gilan, 1 July 1899).

Document 1317 AH -29-18 / 1900 AD. *“Dar xosus-e savād-e kāqaz-e vezārat-e omur-e xārejeh be Montazem ol-Molk, kārgozār-e Gilān, 4 Dhu al-Qa’dah 1317 AH”* (Regarding the transcript of the paper issued by the Ministry of Foreign Affairs to Montazemolmolk, the broker of Gilan, 6 March 1900). [Persian] Markaz-e Tahqiqāt-e Noqān-e Irān” (Iran Silkworm Research Centre).

“Daftarče-ye dastur-ol-‘amal-e tarbiat-e deraxt-e tut va parvareš-e kerm-e abrišam be zamime-ye nezām-nāme-ye vorudie-ye toxm-e noqān be Irān, tejārat-xāne-ye Zāk Gāstork, namāyandegi-ye Gilān-Irān, 1306 SH” (Instruction booklet for berry tree breeding and silkworm breeding, including silkworm egg import code to Iran, Zack Gastork’s trade house, Gilan-Iran representative office, 1306 SH / 1927 AD). Document donated by Naeemi Akbar family to Iran Silkworm Research Centre.

“Nāme-ye Seyyed Esmā’eel-e Qāem-maqāmi be Šārl Sekretān” (A letter from Seyyed Esmā’il Ghaem Maghami to Charles Sekretan). In two pages, 1923, the original letter is available at the Lyon Silkworm Research Centre in France.

“Nezām-nāme-ye vorudie-ye toxm-e noqān be Irān, mosavvabe-ye vazir-e falāhat va tejārat va favāyed-e āmme-ye Mahmud Jam” (The importing code for silkworm eggs to Iran, approved by the Minister of Agriculture, Trade and Public Benefits Mahmoud Jam). Document number: 14672/5920, date: 1307/11/29 SH / 1929-2-18 AD. [Persian]

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Ar-



chives Organization of Iran):

“*Pišnahād-e vezārat-e eqtesvd-e melli be hey’at-e vozarā barāye raf’-e moškelāt-e ijād-šodeh dar howze-ye sodur-e abrišam*” (The proposal of the Ministry of National Economy to the cabinet of ministers to solve the problems created in the field of silk export). Document number: 25413/2286, 1311/9/5 SH / 1932-11-30.

“*Hokumat-e Gilān va Tavāleš be vezārat-e dāxele*” (From the government of Gilan and Tavalesh to the Ministry of Interior Affairs). Document number: 132, 2 Rabi’ Al Thani, 9234, [1695, ک]. [Persian]

“*Daštūr-e vezārat-e mālieh mabni bar mizān-e daryāft-e māliāt az toxm-e noqān-e vāredāti*” (The verdict issued by the Ministry of Finance on the amount of tax received from the imported silkworm eggs). Document number: 240/74895.

“*Savād-e nezām-nāme-ye toxm-e noqān*” (The transcript of the silkworm egg protocol). n. d. document number: 240/74893.

“*Gozāreš-e qārat-e tejārat-xāne-ye Tomāniāns tavassot-e Bolšoyik-hā*” (The report of the looting of the Tumanians trade house by the Bolsheviks). Document number: 58, 15 Moharram [328/51 ک].

“*Nazmiye-ye Rašt be nazmiye-ye Gilān, savād-e rāport-e dāere-ye ta’mināt*” (From the order of Rasht to the order of Gilan, the transcript of the report of the Department of Law Enforcement). Document number: 47, 19 Rabi’ Al Thani [[1692 ک الف.

“*Nazmiye-ye Rašt be nazmiye-ye Gilān*” (From the order of Rasht to the order of Gilan). Document number: 54, 20 Rabi’ Al Thani [ب [1692 ک]. [Persian]

Books

Adamiat, Fereydoun. (1348/1969). “*Amir Kabir va Irān*” (Amir Kabir and Iran). Tehran: Xārazmi. [Persian]

Amid, Hassan. (1390/2011). “Farhang-e Amid” (*Amid dictionary*). Tehran: Entesārāt-e Amir Kabir. [Persian]

Azari, Ala’ al-Deen. (1367/1988). “*Tārix-e ravābet-e Irān va Āin*” (History of Iran-China relations). Tehran: Amir Kabir. [Persian]



- Barbaro, Giosofat et al. (1345/1966). *“Safarnāme-hā-ye Veniziyān dar Irān”* (Travels to Tana and Persia, and a narrative of Italians’ travels in Persia in the 15th and 16th centuries). Translated by Manouchehr Amiri. Tehran: Xārazmi. [Persian]
- Bastani Parizi, Mohammad Ebrahim. (1384/2005). *“Eždehā-hā-ye haft-sar: Rāh-e abrišam”* (The seven headed dragon (Ajdahay-e-haft sar) (Silk Road)). Tehran: ‘Elm. [Persian]
- Curzon, George Nathaniel. (1380/2001). *“Irān va qazie-ye Irān”* (Persia and the Persian question) (vol. 1) (5th ed.). Translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani. Tehran: Katibeh. [Persian]
- Dekhoda. *“Loghat-nāmeḥ”* (Dekhoda Dictionary). [Persian]
- Entner, Marvin L. (1369/1990). *“Ravābet-e bāzargāni-ye Rus va Irān”* (Russo-Persian Commerical relations, 1828-1914). Translated by Ahmad Tavakkoli. Tehran: Bonyād-e Mowqufāt-e Doktor Mahmud Afšār (Foundation of Doctor Mahmoud Afshar Yazdi’s Endowments). [Persian]
- Eslah Arabani, Ebrahim. (1374/1995). *“Ketāb-e Gilān”* (Gilan) (vol. 2). Tehran: Goruh-e Pažuhešgarān-e Irān. [Persian]
- Estakhri, Abu Eshagh Ebrahim. (1368/1989). *“Al-masālek-o val-mamālek”* (Book of Roads and Kingdoms). Edited by Iraj Afshar. Tehran: ‘Elmi Farhangi. [Persian]
- Falsafi, Nasrollah. (1353/1974). *“Zendegāni-ye Šāh Abbās-e avval”* (The life of Shah Abbas I.) (vol. 5). Tehran: Ketāb-e Keyhān. [Persian]
- Farrokhnia, Rahim. (1389/2010). *“Moqaddame-ee bar mardom-šenāsi”* (Introduction sedimentology by supriya sengupta) (3rd ed.). Hamedān: Dānešgāh-e Bu ‘Ali Sinā (Bu-Ali Sina University). [Persian]
- Ghazvini, Sharaf Al-Din Fazlollah. (1286/1907). *“Tārix-e mo’jam: Al-mo’jam-o fi āsār-e moluk-el-ajam”* (Al Mujam fi athar - i muluk al Ajam). Čāp-e Sangi: n. p. [Persian]
- “Gozāreš-e sanduq-e motāle’āti-ye towse’e-ye noqān-dāri va sanāye’-e abrišam-e Irān, emkānāt-e towse’e-ye noqān-dāri va sanāye’-e abrišam-e kešvar”* (The report of the Study Fund for the Development of Iranian Silkworms and Silk Industries, Facilities for the Development of Silkworms and Silk Industries of

- Iran). (1367/1988). Vezārat-e Kešāvarzi (Ministry of Agriculture); Mo'āvenat-e Omur-e Vāhed-hā-ye Towlid va Kešt va Sa'nat-hā (Deputy for production and agro-industrial units). [Persian]
- “Hodud-ol-‘ālam men-al-mašreq elal-maqreb”** (Hudud al-'Alam). (1362/1983). Edited by Manouchehr Sotudeh. Tehran: Tahuri. [Persian]
- Issavi, Charles Phillip. (1362/1983). **“Tārix-e eqtesādi-ye Irān dar asr-e Qājār az 1800 tā 1914 AD”** (The economic history of Iran in 1800-1914) (2nd ed.). Translated by [Yaghoub Azhand. Tehran: Gostareh. [Persian]
- Jamalzadeh, Mohammad Ali. (1362/1983). **“Ganj-e Šāygān: Owzā'-e eqtesādi-ye Irān”** (The worthy treasure). Tehran: Ketāb-e Tehrān. [Persian]
- Keshavarz, Karim. (1336/1957). **“Gilān”** (Gilan). Tehran: Ebn-e Sinā. [Persian]
- Khayyam. (1312/1923). **“Nowruznāmeḥ”** (Epistle of Nowruz or Nowruznameh). Introduction, annotation, dictionary and edition by Mojtaba Minovi. Tehran: Ketāb-xāne-ye Kāveh. [Persian]
- Mahdavi, Abd Al-Reza (Houshang). (1364/1985). **“Tārix-e ravābet-e xāreji-ye Irān: Az ebtedā-ye dowrān-e Safavieh tā pāyān-e jang-e dovvom-e jahāni”** (The history of Iran's foreign relations: From the beginning of the Safavid period to the end of the World War II). Tehran: Amir Kabir. [Persian]
- Mar'ashi, Zahir Al-Din. (1349/1970). **“Tārix-e Gilān va Deilameštān”** (The history of Guilan and Deilamistan). Edited by Manouchehr Sotoudeh. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān. [Persian]
- Markaz-e Asnād-e Riāsat-e Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Mārjā) (Office of Presidential Documents). (1383/2004). **“Gozāreš-hā-ye eyālāt va velāyāt az owzā'-e eĵtemā'ee-eqtesādi-ye Irān dar sāl-e 1310 SH”** (The reports of states and provinces on the socio-economic situation of Iran in 1310 SH/1931 AD). Edited by Reza Mokhtari Esfahani. Tehran: Sāzmān-e Čāp va Enteshārāt-e Vezārat-e Farhang va Eršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance Directorate). [Persian]
- Matthee, Rudolph. (1999). **The politics of trade in Safavid Iran: Silk for silver 1600-1730**. Cambridge University Press.

- Moghaddasi, Abu Abdullah Mohammad Ibn Ahmad. (1361/1982). *“Ahsan-ot-taqāsim fi ma’refat-el-aqālim”* (The best divisions for knowledge of the regions: A translation of Ahsan Al-taqasim Fi Ma’rifat Al-aqalim) (vol. 2). Translated by Ali Naghi Monzavi. Tehran: Šerkat-e Mo’allefān va Motarjemān. [Persian]
- Molk’ara, Abbas Mirza. (1361/1982). *“Šarh-e hāl-e Abbās Mirzā Molk-ārā”* (The biography of Abbas Mirza Molkara). Edited by Abdolhossein Navaee. Tehran: Bābak. [Persian]
- Mozaffari, Mohammad Vali. (1347/1968). *“Noqān-dār: Še’ri be guyeš-e mardom-e jonub-e Gilān-šarq (Gāleši)”* (Sericulturist: A poem in the dialect of the people of East Gilan (in Galeshi dialect)). Tehran: Kār. [Persian]
- Navaei, Abdolhossin. (1397/2018). *“Ravābet-e siāsi va eqtesādi-ye Irān dar dowre-ye Safavieh”* (Iran’s political and economic relations in Safavid period). Tehran: Pažuheškade-ye Tahqiq va Towsēe-ye ‘Olum-e Ensāni (Institute for Research and Development in the Humanities) (SAMT). [Persian]
- Lafont, F. D. & Rabino, Hyacinth Louis. (1372/1993). *“San’at-e noqān dar Irān”* (L’Industrie sericicole en Perse) [The sericultural industry in Persia] (1st ed.). Translated by Jafar Khomamizadeh. Tehran: Mo’assese-ye Motāle’āt va Tahqiqāt-e Farhangi (Pažuhešgāh) Vābasteh be Vezārat-e Farhang va Āmuzeš-e ‘Āli (Institute for Humanities and Cultural Studies: Affiliated to the Ministry of Culture and Higher Education). [Persian]
- Olearius, Adam. (1363/1984). *“Safarnāme-ye Oleāriyus”* (Vermehrte neue Beschreibung der muscowitischen und persischen Reyse) [The voyages and travels of the ambassadors sent by Frederick Duke of Holstein to the Great Duke of Muscovy, and the King of Persia]. Translated by Ahmad Behpour. Tehran: Ebtēkār. [Persian]
- Panahi, Abbas. (1398/2019). *“Asnād-e Gilān dar dowre-ye mašrutiat”* (Gilan documents in the constitutional period). Tehran: Ketāb-xāne va Markaz-e Āršiv-e Majles-e Šorā-ye Eslāmi (Kemām) (Library, Museum and Document Center of Iran Parliament). [Persian]
- Panahi, Abbas. (1393/2014). *“Kārkard-e eĵtemā’ee siāsi va farhangi-ye Kiāceyān*



- dar Gilān*” (The social, political and cultural function of Kiayian in Gilan). Rašt: Dānešgāh-e Gilān (University of Guilan). [Persian]
- Petrushevskii, Ilya Pavlovich. (1355/1976). “*Kešāvarzi va monāsebāt-e arzi dar Irān-e ahd-e Moqol*” (Земледелие и аграрные отношения в иране) [Agriculture and agrarian relations in Iran] (vol. 1). Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Nil. [Persian]
- Ravasani, Shapour. (1384/2005). “*Avvalin jomhuri-ye šorāee-ye Irān: Nehzat-e jan-gal*” (The first Soviet Republic of Iran: Jungle movement). Tehran: Čāpaxš. [Persian]
- Saalabi Marghani, Hossein Ibn Mohammad. (1372/1993). “*Šāhnāme-ye Kohan: Pārsi-ye tārix-e qorār-os-siar*” (Hoosin ebn Mohammade Thaalebi Margany. Gorrar-ossiar). Translated by Seyyed Mohammad Rohani. Mašhad: Dānešgāh-e Mašhad. [Persian]
- Seif, Ahmad. (1380/2001). “*Eqtesād-e Irān be ravāyat-e asnād dar qarn-e nuzdahom*” (Iran’s economy in the nineteenth century). Tehran: Češmeh. [Persian]

Articles

- Hasani, Seyyed Rahman. (1386/2007). “Abrišam dar asr-e Qājār va tejārat-e ān az tariq-e daryā-ye Xazar bā tekyeh bar asnād-e āršivi (1243-1327 AH / 1828-1909 AD)” (Silk in the Qajar era and its trade via the Caspian Sea: A study based on archival records (1828- 1909)). *Fasl-nāme-ye Ganjine-ye Asnād*, 17(3), (series number 67). [Persian]
- Kardan, Mehdi. (1380/2001). “Tārix-če-ye noqān va elal-e bi-tavajjohi be ān dar Gilān va gerāyeš be kešt-e berenj” (The history of sericulture and the reasons for not paying attention to it in Guilan and the tendency to cultivate rice). In “*Gilān-nāmeḥ: Majmu’e maqālāt-e Gilān-šenāsi*” (Guilan-nameh: A collection of essays on Guilan) (vol. 5). Rašt: Tā’ati. [Persian]
- Panahi, Abbas; Kohansal Vajargah, Hassan. (2012). “The importance of Guilan silk and its economic significance at Safavid period in Caspian region”. *Caspian Journal of Environmental Sciences (CJES)*, June & Number 2012, Vol. 10, Issue. 1, pp. 122-129.



- Panahi, Abbas. (2017). "Role of Khorasan in commerce of the Silk Road before entrance of the Islam into Iran". *Silk Road Conference*, Kazakhstan, Astana.
- Savagheb, Jahanbakhsh. (1381/2002). "Abrišam-e Gilān" (Gilan silk). *Pažuheš-nāme-ye Dāneškade-ye Adabiāt va 'Olum-e Ensāni*, Dānešgāh-e Šahid Behešti (Shahid Beheshti University), 34. [Persian]

Dissertations

- Rah, Nadia. (1396/2017). "*Naqš-e avāmel-e dāxeli va xāreji bar tejārat-e abrišam az dowre-ye Nāseri tā pāyān-e asr-e Rezā Šāh*" (The role of internal and external factors on the silk trade from the Nasseri period to the end of Reza Shah). [Masters' thesis]. Supervised by Roshan Babae Hemmati. Advised by Abbas Panahi. Dānešgāh-e Gilān (University of Guilan). [Persian]
- Shourmij, Mohammad. (1389/2010). "*Barresi-ye tahlili-ye naqš-e Gilān dar ravand-e tahavvolāt-e asr-e Safavi tā pāyān-e Šāh Abbās-e avval*" (The Guilan's role in the transition process during Safavid period to the end of Shah Abbas I era (1501-1628): A critical study). [Doctoral Dissertation]. Supervised by Asghar Foughi. Dānešgāh-e Esfahān. [Persian]

